

ارتباط با خدا

برگرفته از کتاب مفاتیح نوین
اثر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه)

فهرست‌نویسی پیش از انتشار: توسط انتشارات امام علی بن ابی‌طالب (ع)

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

ارتباط با خدا: برگرفته از کتاب مفاتیح نوین / مکارم شیرازی؛ با همکاری احمد قدسی، سعید داودی، محمدرضا حامدی، مسعود مکارم. - قم: امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام، ۱۳۸۷.

ISBN: 978-964-533-059-8

۱۷۶ص.

۱. دعاها، ۲. زیارتنامه‌ها، الف. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ - کلیات مفاتیح نوین. برگزیده. ب. قدسی، احمد، ۱۳۳۶ - ج. داودی، سعید، - ۱۳۴۳ - د. حامدی، محمدرضا، ۱۳۴۸ - هـ. مکارم، مسعود، ۱۳۴۶ - . و کلیات مفاتیح نوین. برگزیده. ز. عنوان.

۲۹۷/۷۷۲

BP ۲۶۷ / ۸ / م ۷ م ۷۰۱۸

ناشر برتر

نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

ارتباط با خدا

برگرفته از کتاب مفاتیح نوین

اثر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه)

با همکاری حجج اسلام احمد قدسی، سعید داودی، محمدرضا حامدی و مسعود مکارم

تیراژ: ۵/۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷ ش

صفحه و قطع: ۱۷۶ صفحه / جیبی

چاپ: سلیمانزاده

ناشر: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۵۹-۸



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفکس: ۷۷۲۲۴۷۸

www.amiralmomeninpub.com

قیمت: ۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

مقدمه	۵
دعای کمیل	۷
دعای ندبه	۳۴
دعای سمات	۶۴
دعای توسّل به چهارده معصوم <small>علیهم السلام</small>	۷۹
زیارت جامعه کبیره	۹۱
زیارت امین الله	۱۲۱
زیارت عاشورا	۱۲۸
مناجات امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	۱۴۵
زیارت حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>	۱۵۳
زیارت آل یاسین	۱۵۸
زیارت حضرت صاحب الامر <small>علیه السلام</small>	۱۷۱
دعای حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۷۴

کلیات مفاتیح نوین

با همکاری جمعی از فضیای حوزه

زیر نظر:

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

مزایای این کتاب:

۱. نقل تمام ادعیه و زیارات و اذکار از منابع معتبر با ذکر مدرک.

۲. نگارش با زبان و ادبیات روز، قابل استفاده عموم.

۳. مشتمل بر مقدمات و روایات روح پرور در هر قسمت.

۴. شرح آداب و مقدمات و اسرار زیارات و دعاها.

۵. تقسیم بندی کتاب در ده فصل با نظمی نوین.

۶. پرهیز از روایات ضعیف

...و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الحمد لله الذي جعل الدعاء ذريعة الى رحمته

در طول تاریخ تشیع، جمعی از بزرگان به گردآوری دعاها و زیاراتی که از جانب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام صادر شده، پرداخته‌اند و هر یک در عصر خود رسالت خویش را به بهترین وجه به انجام رسانده‌اند. از جمله محدث عالیقدر مرحوم حاج شیخ عباس قمی رَحِمَهُ اللهُ که با وجود کتاب‌های متعدّد در این زمینه، به خصوص کتاب «مفتاح الجنان» که دارای پاره‌ای از دعا‌های ضعیف و مجعول بود، در عصر خود احساس نیاز نموده و «مفاتیح الجنان» را تألیف نمودند.

ولی از آنجا که این کتاب مانند بسیاری از کتاب‌ها برای شرایط زمانی و مکانی خاصی نوشته شده بود و در عصر و زمان ما پاره‌ای از مطالب آن مورد ایراد بدخواهان قرار گرفته، و نثری نسبتاً قدیمی و سنگین داشت، لازم بود مجموعه‌ای از دعاها و زیارات دارای اسناد معتبر، به شکل و

نظمی نوین با زبان و ادبیات روز، از منابع معتبری که در این زمینه در اعصار گذشته به رشته تحریر درآمده، گردآوری شود، که این مهم با همکاری جمعی از فضلاء حوزه علمی قم (طی چند سال) تحت اشراف حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) به انجام رسید و به نام «مفاتیح نوین» منتشر گردید.

از ویژگی‌های این اثر بدیع، ذکر مقدمه‌ای جامع و مفید برای هر یک از ادعیه و زیارات، و ذکر مدارک در پاورقی جهت استفاده محققین است.

* * *

مجموعه حاضر بخشی از کتاب «مفاتیح نوین» است که با ترجمه جمعی از فضلاء حوزه زیر نظر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی آماده شده و در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

ناشر

دعای کمیل^۱:

این دعا از دعا‌های معروف و مشهور و پربرکت است و دارای محتوا و مضامین عالی و انسان‌ساز می‌باشد، و راه بندگی و عبودیت، توبه و انابه و کسب نورانیت دل را به انسان می‌آموزد. اگر انسان با توجه به معانی بلندش، آن را بخواند و در تک تک جملاتش تأمل کند، بی‌تردید در روح و جانش اثر می‌کند و انقلابی در او ایجاد می‌نماید. مطابق روایتی که «سید بن طاووس» نقل می‌کند، حضرت امیر مؤمنان علیه السلام به کمیل بن زیاد فرمود: این دعای حضرت خضر است، اگر آن را یاد گرفتی، در هر شب جمعه و یا ماهی یک بار و یا لاقلاً در هر سال یک مرتبه و حتی در تمام عمرت یک بار آن را بخوان که برای کفایت از شر دشمنان و کسب روزی و آموزش گناهان مفید خواهد بود.^۲

مرحوم «کفعمی» در «مصباح» از کمیل بن زیاد نقل می‌کند که دیدم

۱. کمیل بن زیاد نخعی - که دعای کمیل به نام او معروف است - از یاران خاص امیر مؤمنان علی علیه السلام به شمار می‌آید. شیخ مفید رحمته الله او را از پیشگامان در محبت به علی علیه السلام و مقربان آن حضرت دانسته است، وی از سوی امیر مؤمنان علیه السلام به زمامداری منطقه «هیت» منصوب شد. در نهج البلاغه سفارش‌هایی از امیر مؤمنان به وی نقل شده است که بسیار ارزنده و پرمتواست. کمیل بن زیاد، به خاطر تشیع و وفاداری به امیر مؤمنان علیه السلام - همان‌گونه که مولایش به وی خبر داده بود - به دست حجاج خونخوار به شهادت رسید. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، جلد ۱۷، صفحه ۱۴۹، شرح نهج البلاغه علامه خوبی، جلد ۲۱، صفحه ۲۱۹، و معجم رجال الحدیث، جلد ۱۵، صفحه ۱۳۲.

۲. اقبال سید بن طاووس، صفحه ۷۰۶.

حضرت امیر مؤمنان علیه السلام این دعا را در شب نیمه شعبان در سجده خواند.^۱
 این دعای شریف، علاوه بر کتاب‌های فوق، در کتاب «مصباح
 المتهجّد»،^۲ نیز آمده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ

خدایا از تو می‌خواهم به آن رحمتت که همه موجودات

كُلِّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ

را فرا گرفته و به آن قدرتت که به وسیله آن بر همه چیز

شَيْءٍ، وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَذَلَّ لَهَا كُلُّ

تسلط یافتی و (آن قدرتی که) همه در برابر آن تسلیم و مطیع

شَيْءٍ، وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ،

گردیدند، و به بزرگی‌ت که به وسیله آن همه چیز را مغلوب خود ساختی

۱. مصباح کفعمی، صفحه ۵۵۵.

۲. مصباح المتهجّد، صفحه ۸۴۴ ما این دعا را مطابق نسخه متداول نقل می‌کنیم و موارد اختلاف آن را با
 مصباح المتهجّد در پاورقی متذکر می‌شویم.

وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَبِعِظَمَتِكَ

و به شکوه و قدرتت که کسی توانایی ایستادن در برابر آن را ندارد، و به عظمتت

الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا

که همه چیز را فرا گرفته، و به فرمانروایت که همه چیز را

كُلَّ شَيْءٍ، وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ

زبر پر گرفته و به ذات که بعد از نابودی همه موجودات

شَيْءٍ، وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ^۱ أَرْكَانَ كُلِّ

ماندنی است و به نامهایت که اساس هر چیزی را پر

شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ،

کرده است، و به دانشت که بر همه چیز احاطه دارد،

وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ

و به نور ذاتت که همه عالم در پرتوش روشن شده،

شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَيَا

ای نور، ای پاک از هر عیب، ای آغاز همه آغازها و ای

۱. مصباح المتهجد: غَلَبَتْ.

اٰخِرَ الْاٰخِرِيْنَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ الذُّنُوْبَ الَّتِي

نهایت همهٔ پایانها، بارخدایا، گناہانی را که پرده‌های عصمت (و موانع گناه) را

تَهَتِكَ الْعِصْمَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ الذُّنُوْبَ الَّتِي

می‌درد بر من ببخش، خدایا گناہانی را که رنج و عذاب را فرود می‌آورد

تُنزِلُ النَّعْمَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ الذُّنُوْبَ الَّتِي تُغَيِّرُ

بر من ببخش، خدایا گناہانی را که موجب تغییر نعمتها می‌شود بر من

النَّعْمَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ الذُّنُوْبَ الَّتِي تَحْبِسُ

ببخش خدایا گناہانی را که از (برآورده شدن) دعا جلوگیری می‌کند بر من

الدُّعَاءَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ الذُّنُوْبَ الَّتِي تُنزِلُ

ببخش، خدایا گناہانی را که بلا (و مصیبت) را فرود می‌آورد، بر من

الْبَلَاءَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ

ببخش، خدایا هر گناہی کرده‌ام و هر خطایی از من سر زده

خَطِيْئَةٍ اَخْطَاْتُهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ

بر من ببخش خدایا من با یادت، به تو نزدیک

بذِكْرِكَ، وَاسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَى نَفْسِكَ، وَاسْأَلُكَ

می‌شوم، و تو را به درگاہت شفیع می‌آورم، و از تو می‌خواهم

بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَأَنْ تُوزِعَنِي

که به کرم و بخششت، مرا به جوار قربت نزدیک کنی و سپاسگزاریت را

شُكْرِكَ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي

نصیبم گردانی، و یادت را به من الهام کنی (و در دلم افکنی)، خدایا

اَسْئَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ، اَنْ

همانند شخص فروتن فرمانبردار ترسان، از تو درخواست می‌کنم که (کار را)

تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي، وَتَجْعَلَنِي بِقَسْمِكَ

بر من آسان‌گیری و به من رحم کنی، و به آنچه که قسمتم کرده‌ای

رَاضِيًا قَانِعًا، وَفِي جَمِيعِ الْاَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا،

راضی و خرسندم سازی و در همه حال فروتنم گردانی،

اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اَشْتَدَّتْ فَاكْتَهُهُ

خدایا، و از تو درخواست می‌کنم همانند درخواست کسی که در شدت فقر و درماندگی است

وَاَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَعَظُمَ فِيْمَا

و در هنگام سختیها نیازش را نزد تو آورده و به آنچه که نزد توست

عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ، اَللّٰهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ، وَعَلَا

بسیار امیدوار است، خدایا فرمانروایت بزرگ و مقامت

مَكَانَكَ، وَ خَفِيَ مَكْرُكَ، وَظَهَرَ أَمْرُكَ، وَغَلَبَ

بلند است و تدبیرت پنهان و فرمانت آشکار است و برتیرت

قَهْرُكَ، وَ جَرَتْ قُدْرَتُكَ، وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ

چیره و قدرتت (در همه امور) نافذ است، و فرار از قلمرو

مِنْ حُكُومَتِكَ، اَللّٰهُمَّ لَا اَجِدُ لِذُنُوبِيْ غَافِرًا،

فرمانروایت محال است، خدایا جز تو کسی را برای (آموزش) گناهانم

وَلَا لِقَبَائِحِيْ سَاتِرًا، وَ لَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيْ

و پرده پوشی برای زشتیهایم و تبدیل کننده اعمال زشتم

الْقَبِيْحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرِكَ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ،

به نیکیها نمی یابم، معبودی جز تو نیست،

سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِيْ، وَتَجَرَّأْتُ

پاک و منزهی تو و ستایشت می کنم، به خود ستم کرده و به خاطر نادانیم (در انجام گناه)

بِجَهْلِيْ، وَسَكَنْتُ اِلَى قَدِيْمِ ذِكْرِكَ لِيْ،

گستاخی کردم و به این که همیشه مرا یاد کرده و به من لطف و بخشش نمودی

وَمَنْكَ عَلَيَّ، اَللّٰهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيْحٍ

آسوده خاطر بودم. ای خدا، ای مولای من بسیاری از کارهای زشتم را

سَتَرْتَهُ، وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتْهُ، وَكَمْ

پوشاندی، و بسیاری از گرفتاریهای سخت و کمر شکن را از من بازگرداندی، و از

مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ

بسیاری از لغزشها حفظم کردی و بسیاری از حوادث ناگوار را از من دور کردی

مِنْ تَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ، اَللّٰهُمَّ

و تعریف و تمجید بسیاری که شایسته آن نبودم (بر زبانها) منتشر ساختی، خدایا

عَظْمَ بَلَائِي، وَأَفْرَطَ بِي سُوءِ حَالِي،

گرفتاریم بزرگ است و بدیِ حالم از حد گذشته

وَقَصُرْتُ بِي أَعْمَالِي، وَقَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي،

و اعمالم، دستم را کوتاه کرده و زنجیرهای (علايق) مرا زمین گیر کرده

وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدُ أَمَلِي، وَخَدَعْتَنِي

و آرزوهای دور و دراز مرا از مصالحم باز داشته و دنیا با ظواهر

الدُّنْيَا بَغُرُّورِهَا، وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا، وَمِطَالِي يَا

فریبدهاش و نفسم با تبهکاری و سستی‌اش مرا گمراه کرده است، ای

سَيِّدِي فَاسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ

خدای من، به عزت و جلالت از تو می‌خواهم که بدی رفتار و کردارم

دُعَائِي سُوءٌ عَمَلِي وَفِعَالِي، وَلَا تَفْضَحْنِي

مانع از اجابت درخواستم نشود و به (افشای) آنچه که

بِخَفِيٍّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَلَا

از اسرار پنهانی من آگاه هستی رسوایم نکنی، و در

تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتَهُ فِي

مجازات رفتار و کردار زشتی که در تنهایی مرتکب

خَلَوَاتِي، مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَاتِي، وَدَوَامِ

آن شده‌ام و استمرار کوتاهی و نادانیم و زیادی

تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي، وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي،

شهوت رانی و بی‌خبری‌ام، شتاب نکنی

وَ كُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ

و خدایا به عزت و جلالت در تمامی حالات نسبت به من

رَءُوفًا، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَظُوفًا،

مهربان و در همه کارها نسبت به من پر محبت باش.

الْهِیَ وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ، أَسْأَلُهُ كَشْفَ

ای معبود و پروردگار من، جز تو چه کسی را دارم که رفع گرفتاری

ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي، إِلَهِي وَمَوْلَايَ

و توجه در کارم را از او بخواهم، ای خدا و مولای من،

أَجْرِيَتَ عَلَيَّ حُكْمًا أَتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي،

تو بر من حکمی کردی و من در آن پیروی هوای نفس کردم،

وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّنِي

و از فریبکاری دشمنم (شیطان) پرهیز نکردم، پس مرا به آنچه

بِمَا أَهْوَى، وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ،

دلخواهش بود فریب داد و تقدیر هم او را بر این کار یاری کرد

فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضًا

و به خاطر آنچه که بر سرم آمد نسبت به بعضی از احکامات

حُدُودِكَ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ، فَلَاكَ

بی‌اعتنایی کرده و بعضی از فرمان‌هایت را مخالفت کردم، پس در تمام

الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ، وَلَا حُجَّةَ لِي

این امور (که بر سرم آمده) حمد تو بر من واجب است و در آنچه

فِيَمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ، وَالزَّمَنِي

که به تقدیر تو بر من واقع شده و قضا و آزمایش تو مرا بدان ملزم ساخته،

حُكْمَكَ وَبَلَاؤُكَ، وَقَدْ آتَيْتَكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ

حُجَّتٍ و برهانی ندارم، و ای معبود من در حالی که (در انجام وظیفه)

تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي، مُعْتَدِرًا

کوتاهی و بر خود زیاده روی (و ستم) کرده‌ام، با عذر خواهی،

نَادِمًا، مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا، مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا، مُقْرَأًا

پشیمانی، دل‌شکستگی، یوزش خواهی، آموزش‌طلبی و بازگشت کننده، اقرار کننده،

مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا، لَا أَجِدُ مَقْرَأًا مِمَّا كَانَ مِنِّي، وَلَا

فرمانبردار و اعتراف کننده به درگناهت آمده‌ام، نه از آنچه که از من سرزده راه‌گریزی دارم و نه

مَفْزَعًا اتَّوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ

پناهگاهی که برای (اصلاح) کارم به آنجا روی آورم، جز این که

عُذْرِي، وَادْخَالَكَ إِلَيَّ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ،

عذرم را بپذیری و مرا در رحمت بی‌انتهایت داخل کنی،

اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي، وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي،

خدایا عذرم را بپذیر و بر شدت گرفتاریم رحم کن

وَفُكِّنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي، يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ

و از قید و بند (گناهان) رهاییم ده، ای پروردگار من، بر بدن ضعیف

بَدَنِي، وَرَقَّةَ جِلْدِي، وَدِقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ

و ناتوان و نازکی پوست و استخوان ضعیفم رحم کن، ای (خدایی) که

خَلَقِي وَذَكَرِي، وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي،

مرا آفریدی، در نظر گرفته و پروراندی، نیکی کرده و غذایم دادی،

هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ، وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي، يَا

اکنون به خاطر بخشش نخست، و نیکی پیشینت بر من، مرا ببخش، ای

الْهِیَ وَسَيِّدِي وَرَبِّي، أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ

معبود من و ای سرور و پروردگار من، آیا باور کنم که مرا به آتش (غضبت) عذاب می‌کنی،

بَعْدَ تَوْحِيدِكَ، وَبَعْدَ مَا انطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ

بعد از یکتا پرستیم و بعد از آن که نور معرفت قلب مرا

مَعْرِفَتِكَ، وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ،

فرا گرفته و زبانم به ذکر تو گویا شده

وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَبَعْدَ صِدْقِ

و دلم به محبت پیوند خورده (آیا باور کنم که مرا عذاب می‌کنی) بعد از اعتراف صادقانه

اعْتَرَفِي وَدُعَائِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ

و دعای خاضعانه‌ام به مقام پروردگاریت، هرگز (باور نمی‌کنم)،

أَنْتَ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ، أَوْ تُبْعِدَ مَنْ

تو بزرگوارتر از آنی که تباه کنی کسی را که پروانده‌ای، یا دور کنی کسی را که (به خود)

أَدْنَيْتَهُ، أَوْ تُشْرِدَ مَنْ آوَيْتَهُ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ

نزدیک کرده‌ای، یا آواره کنی کسی را که پناه داده‌ای، یا گرفتار سازی

مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ، وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي

کسی را که سرپرستی و مهربانی کرده‌ای، کاش می‌دانستم ای سرور من

وَالْهِي وَمَوْلَايَ، أَسَلَّطُ النَّارَ عَلَيَّ وَجْهَهُ

و ای معبود و سرپرست من، آیا آتش (غضبت) را مسلط می‌کنی بر چهره‌هایی

خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً، وَ عَلَيَّ السُّنَّ

که در برابر عظمتت به سجده افتاده و بر زبان‌هایی

نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً، وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً،

که صادقانه به یگانگیت گویا شده و ثناگوی شکر توست،

وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِالْهِيتِكَ مُحَقَّقَةً،

و بر دل‌هایی که از روی یقین به خدایت اقرار دارد

وَعَلَىٰ ضَمَائِرٍ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّىٰ

و بر دلهایی که علم و معرفت تو آنها را فرا گرفته به گونه‌ای که

ضَارَتْ خَاشِعَةً، وَعَلَىٰ جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَىٰ

(در برابرت) فروتن گردیده، و بر اعضا و جوارحی که از سر تسلیم

أَوْطَانٍ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً، وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ

به سوی محلّ عبادتت شتابان است، و با آمرزش خواهی از تو فرمانبرداریش را

مُذْعِنَةً، مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ، وَلَا أَخْبِرْنَا

اظهار می‌کند، چنین گمانی به تو نیست و چنین خبری

بِفَضْلِكَ عَنكَ، يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ، وَأَنْتَ تَعْلَمُ

از لطف و بزرگواریت به ما نرسیده است، ای پروردگار بخشنده من، تو ناتوانی

ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا،

مرا در برابر اندک رنج و عذاب دنیا و کیفرهای ناچیز آن

وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَىٰ أَهْلِهَا،

و ناملایماتی که بر اهل آن می‌رسد می‌دانی،

عَلَىٰ أَنْ ذَلِكْ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ، قَلِيلٌ مَكْثُهُ،

با آن که رنج و عذاب و ناملایمات دنیا ماندگاریش اندک،

يَسِيرٌ بِقَائِهِ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ احْتِمَالِي

دوامش کم و زمانش کوتاه است، پس چگونه

لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ، وَجَلِيلِ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا،

رنج و عذاب آخرت و سنگینی و بزرگی ناملایمات آن را تحمل کنم،

وَهُوَ بِلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقَامُهُ، وَلَا

در حالی که رنج و عذاب آخرت زمانش طولانی و جایگاهی همیشگی است

يُخَفَّفُ عَنِ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنِ

و بر اهل عذاب تخفیفی نیست، زیرا که آن عذاب از

غَضَبِكَ وَأَنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ، وَهَذَا مَا

خشم و انتقام و نارضایتی تو سرچشمه گرفته

لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، يَا سَيِّدِي

که آسمان و زمین طاقت آن را ندارد، ای سرور من،

فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ

چگونه آن را تحمل کنم در حالی که بنده‌ای ناتوان، مطیع،

الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ، يَا إِلَهِي

کوچک و بینوای درمانده‌ام، ای معبود

وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ

و پروردگار من و ای سرور و مولای من، از کدام گرفتاریم به تو

أَشْكُو، وَلَمَّا مِنْهَا أَضِحُّ وَأَبْكِي، لِأَلِيمِ الْعَذَابِ

شکایت کنم و برای کدامیک از آنها شیون و گریه کنم، آیا برای عذاب دردناک

وَشِدَّتِهِ، أَمْ لِمَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ، فَلَنْتُنْ

و سخت یا برای گرفتاری طولانی؟ پس اگر

صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ، وَجَمَعْتَ

برای کیفر (گناهانم) مرا در زمره دشمنان شمرده و با گرفتاران

بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بِلَاتِكَ، وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ

(در عذابت) در یک جا قرار دهی، و میان من و

أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي

دوستان و مقرّبات جدایی اندازی، پس ای معبود و سرورم

وَمَوْلَايَ وَرَبِّي، صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ،

و ای مولا و پروردگارم، گیرم که بر عذاب تو صبر کنم،

فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي صَبَرْتُ

اما چگونه فراق تو را تحمل کنم؟ و گیرم که

عَلَى حَرِّ نَارِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى

بر حرارت آتش (غضبت) صبر کنم، اما چگونه از لطف و کرمت چشم پوشی کنم؟

كَرَامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَ رَجَائِي

یا چگونه در آتش مسکن گزینم در حالی که به عفو تو

عَفْوِكَ، فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَقْسِمُ

امیدوارم، پس ای سرور و مولای من، به شکوه و قدرت صادقانهات

صَادِقًا، لَئِنْ تَرَكَتْنِي نَاطِقًا، لَأَضِجَنَّ إِلَيْكَ يَبْنَ

سوگند می‌خورم که اگر مرا در حالی که زبانم گویاست (در دوزخ) رها کنی، هر آینه

أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمْلِينَ، وَ لَأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ

در بین دوزخیان همانند آرزومندان، به درگاهت شیون کرده

صُرَاخَ الْمَسْتَصْرِخِينَ، وَلَا بَكِينَ عَلَيْكَ بُكَاءَ

و همانند دادخواهان، تو را به فریادرسی خواهم و مانند عزیز گم کرده‌گان،

الْفَاقِدِينَ، وَ لَأُنَادِيَنَّكَ أَيَّنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ

بر (فراق) تو گریسته و تو را به صدای بلند می‌خوانم، که کجایی ای یاور

الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غِيَاثَ

مؤمنان، ای منتهای آرزوی خداشناسان، ای فریادرس

الْمُسْتَعِشِينَ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، وَيَا

درمانده‌گان، ای محبوب دل راستگویان و ای

إِلَهَ الْعَالَمِينَ، أَفْتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي

معبود جهانیان، ای معبود من - که منزهی و به ستایش تو

و بِحَمْدِكَ، تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

مشغولم - چگونه باور کنم که می‌شنوی صدای بنده مسلمانم را

سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا

که به سبب نافرمانیش در دوزخ زندانی شده و سختی عذاب دوزخ

بِمَعْصِيَتِهِ، وَحُبِسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ

را به خاطر گناهش می‌چشد و در میان طبقات دوزخ به سبب جرم

وَجَرِيرَتِهِ، وَهُوَ يَضْجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤْمَلٍ

و جنایتش گرفتار شده در حالی که همانند آرزومند رحمت به درگهات

لِرَحْمَتِكَ، وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ،

شیون کرده و با صدای بلند، به زبان یگانه پرستان تو را می‌خواند

وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ

و به بنده پروریت متوسل می‌شود، ای مولای من، چگونه

يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ

در عذاب بماند با این که به سابقهٔ حلم تو

مِنْ حِلْمِكَ، أَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارَ وَهُوَ يَأْمَلُ

امیدوار است، یا چگونه آتش (غضبت) او را بیازارد در حالی که

فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ، أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَيْبِهَا

به لطف و رحمت امید دارد، یا چگونه زبانه‌های آتش (غضبت) او را بسوزاند

وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ، أَمْ كَيْفَ

در حالی که تو ناله‌اش را می‌شنوی و جایگاهش را (در آتش) می‌بینی، یا چگونه

يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ

زبانه‌های آتش (غضبت) او را بسوزاند، در حالی که تو ناتوانی او را می‌دانی، یا

كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ،

چگونه در میان طبقات دوزخ به خود بپیچد با این که تو صداقت و راستگویی را می‌دانی

أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتِهَا، وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ،

یا چگونه مأموران او را بیازارند در حالی که به ندای «یا رب» تو را می‌خواند.

أَمْ كَيْفَ ۱ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَرَكَهُ

یا چگونه در آزادی خویش از آتش، به لطف تو امیدوار باشد ولی تو او را

فِيهَا، هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ

در آتش رها کنی؟! هرگز (باور نمی‌کنم)، چنین گمانی به تو نیست و چنین چیزی

مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا مُشَبَّهُ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ

از لطف تو پسندیده نیست، و با نیکی و دستگیری تو نسبت

الْمُوحِدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَاحْسَانِكَ، فَبِالْيَقِينِ

به یکتاپرستان شباهت و تناسبی ندارد، من به یقین

أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ

می‌دانم که اگر فرمان تو بر مجازات

جَاحِدِيكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ،

منکرانت و باقی ماندن دشمنانت (در عذاب) نبود،

لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا، وَمَا كَانَ

هر آینه آتش دوزخ را سرد و امن قرار می‌دادی و هیچ کس در

۱. مصباح‌المتهجد: تنزله فیها و هو.

لَا حَدَّ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا، لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ

آن منزل و مأوا نداشت، ولی ای خدایی که نامهایت مقدس است

أَسْمَاؤُكَ، أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ،

قسم یاد کرده‌ای که دوزخ را از کافران

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا

جنّ و انس پر کنی و برای همیشه دشمنانت را

الْمُعَانِدِينَ، وَأَنْتَ جَلُّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا،

در آن جای دهی، و تویی که ستایشت بزرگ است (در کتاب خود) در ابتدا فرموده‌ای

وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا، أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا

و با انعام و کرامت گفته‌ای: «آیا کسی که با ایمان باشد،

كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي

همچون کسی است که فاسق است؟! نه هرگز این دو برابر نیستند»، ای معبود و سرور من،

فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، وَبِالْقَضِيَّةِ

به حقّ آن قدرتی که مقدر کرده‌ای و به آن حکمی که لازم کرده

الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا، وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ

و صادر فرموده‌ای و بر هر کس که آن را بر او جاری کردی،

أَجْرِيَّتَهَا، أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

چیره شدی، از تو می‌خواهم که در این شب

وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ، كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتَهُ، وَكُلِّ

و در این ساعت بر من ببخشی هر خلافی که مرتکب شده‌ام و هر

ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ، وَكُلِّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتَهُ، وَكُلِّ جَهْلٍ

گناهی که از من سرزده و هر کار زشتی که پنهان کرده‌ام و هر کار جاهلانهای

عَمَلْتَهُ، كَتَمْتَهُ أَوْ أَعْلَنْتَهُ، أَخْفَيْتَهُ أَوْ أَظْهَرْتَهُ،

که در نهان یا آشکارا و مخفیانه یا نمایان انجام داده‌ام

وَكُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتَنِي بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ،

و هر کار بدی را که مأموران ثبت اعمال را به ثبت آن فرمان دادی،

الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي،

همان مأمورانی که بر ثبت و ضبط اعمال من گماشتی

وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَكُنْتَ

و آنها را به همراه اعضای بدنم، گواه بر من قرار دادی و تو نیز

أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَالشَّاهِدَ

مافوق آنها مراقبم بودی و گواه بودی

لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ،

بر آنچه از آنها پوشیده مانده، و به واسطه رحمت و لطف آن را مخفی کرده

وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ، وَإِنْ تُوَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ

و پوشاندی، و (از تو می‌خواهم) بهره‌ام را افزون کنی از هر خوبی که

خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ، أَوْ بِرِّ نَشَرْتَهُ،

فرو فرستاده‌ای، یا هر احسانی که مرحمت فرموده‌ای، یا هر نیکی که گسترش داده‌ای،

أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطَا

و یا هر روزی که گسترانده‌ای، یا هر گناهی که بخشیده‌ای، یا هر خطایی

تَسْتُرُهُ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا إِلَهِي

که پوشانده‌ای، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای معبود

وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رِقِّي، يَا مَنْ بِيَدِهِ

و سرور من، و ای مولا و صاحب اختیار من، ای کسی که

نَاصِيَتِي، يَا عَلِيمًا بَضْرِيٍّ وَمَسْكَتِي،

اختیارم به دست اوست، ای آگاه بر بدحالی و بینوایی‌ام،

يَا خَيْرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا

ای دانای بر تهیدستی و نیازمندیم، ای پروردگار من ای پروردگار من ای

رَبِّ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ، وَأَعْظَمِ

پروردگار من! به حق خودت و ذات مقدس و صفات

صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنْ

و نامهای بزرگت، از تو می‌خواهم که اوقات

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ

شب و روزم را به یادت آباد ساخته و در خدمت

مَوْصُولَةً، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً، حَتَّى

ثابت قدم گردانی و اعمالم را در درگاهت بپذیری، تا

تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرَدًا وَاحِدًا،

همهٔ کردار و گفتارم یکسان (و برای تو) باشد

وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا، يَا سَيِّدِي يَا مَنْ

و همیشه در حال خدمت به تو باشم، ای سرور من، ای کسی که

عَلَيْهِ مَعْوَلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي، يَا

تکیه‌گاه منی، ای کسی که شکایت احوال (پریشان) خویش را به درگاه او برم، ای

رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ

پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من! اعضايم را در انجام خدمتت

جَوَارِحِي، وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي،

نیرو بخش و دلم را برای آمدن به سویت قوی دار،

وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشِيَّتِكَ، وَالِدَّوَامَ فِي

و جدیت در خشیت و مداومت در خدمتت

الْإِتِّصَالَ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ

را عطا فرما، تا این که در میدان مسابقه (در اطاعت)

فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ، وَ أَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي

به سوی تو روانه شوم و در میان پیش تازان، به سوی تو

الْبَارِزِينَ، وَاشْتَقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَقِينَ،

سرعت گیرم و در صف علاقه‌مندان، به سوی مقام قربت اشتیاق پیدا کنم،

وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ

و مانند پاکدلان به تو نزدیک گردم و مانند اهل یقین

الْمُوقِنِينَ، وَاجْتَمَعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ،

از تو بترسم و در جوار رحمتت با مؤمنان گرد هم آییم،

اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كَادَنِي

خدایا، هر کس بد مرا خواهد به خودش باز گردان، و هر کس

فَكَدَهُ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيبًا

با من حيله کند، به خویش دچارش کن و بهره‌مندی بهترین بندگانت

عِنْدَكَ، وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً

و مقرب‌ترین آنان و مخصوص‌ترین خاصانت را به من عطا فرما

لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ،

که به راستی جز با لطف تو کسی به این مقام نرسد،

وَ جُدْ لِي بِجُودِكَ، وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ،

و به بخشندگیت ببخش بر من، و به بزرگواریت به من توجه فرما

وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ

و به رحمتت مرا حفظ کن، و زبانم را به یادت

لَهْجًا، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيَّمًا، وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ

گویا و دلم را به دوستیت بی‌تاب قرار ده، و با پذیرش خواسته‌ام بر من

إِجَابَتِكَ، وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَاغْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ

منت گذار، و از لغزشم بگذر و گناهم را ببامرز، زیرا که تو

قَضَيْتَ عَلَىٰ عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ، وَأَمَرْتَهُمْ

بندگان را به پرستش خویش فرمان داده و به دعا کردن

بِدُعَائِكَ، وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ، فَالْيَاكَ

امر فرمودی و اجابت دعایشان را ضمانت کردی، پس ای

يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي، وَالْيَاكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ

پروردگار من اینک رو به تو و به سویت دست نیاز دراز

يَدِي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي

کرده‌ام، پس به شکوه و عزتت قسم، دعایم را اجابت فرما و به آرزویم

مُنَايَ، وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاكْفِنِي

برسان و امیدم را به لطف و کرمت ناامید مگردان، و از شر

شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنَ أَعْدَائِي، يَا سَرِيعَ

دشمنانم، از جن و انس حفظ فرما، ای (خدایی) که زود

الرِّضَا، اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ، فَإِنَّكَ

راضی می‌شوی کسی را که جز دعا به درگاهت چیز دیگری ندارد ببخش، که به راستی

فَعَالٌ لِّمَا تَشَاءُ، يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ

هر آنچه را بخواهی انجام می‌دهی. ای که نامت دارو و یادت

شِفَاءً، وَطَاعَتَهُ غِنَى، إِرْحَمْ مَنْ رَأْسِ مَالِهِ

درمان و بندگیّت توانگری است، بر کسی که سرمایه‌اش

الرَّجَاءُ، وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، يَا سَابِعَ النَّعَمِ، يَا

امید و اسلحه‌اش گریه است، رحم کن، ای فراوان دهنده نعمتها، ای

دَافِعَ النَّقْمِ، يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ،

برطرف کننده گرفتاریها، ای روشنی دلهای وحشت زده در تاریکیها،

يَا عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

ای دانای بی‌تعلیم، بر محمد و آلش درود

مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَصَلَّى اللهُ

فرست و آنچه را که تو لایق آنی درباره من انجام ده و درود و رحمت خدا

عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَيُّمَةِ الْمَيَامِينِ مِنْ إِلِهِ، وَسَلِّمْ

بر پیامبر و امامان با برکت از خاندانش، و سلام

تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

و تحیت فراوان بر آنان باد.

دعای ندبه^۱:

توجه به حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و دعا برای وجود شریفش، ابراز عشق و علاقه به محضرش و دعا برای تعجیل ظهورش همه و همه نشانه یک شیعه واقعی است؛ ولی بی‌تردید، آن کس که برای ظهور مصلح جهانی دعا می‌کند، برای اصلاح خویش و جامعه خود می‌کوشد و آن کس که در انتظار منجی بشریت و امام برحق به سر می‌برد، خود نیز همچون سربازی فداکار و گوش به فرمان، برای جانبازی در راه اسلام و نجات ستمدیدگان، تلاش می‌کند. دعای ندبه نجوای عاشقانه‌ای است برای دلدادگان و رمزی است برای هر شیعه منتظر، تا با زمزمه آن و توجه به محتوایش، هم برای وجود نازنین امام زمان دعا کند، هم عشق و ارادت خویش را به آن حضرت نشان دهد و هم راز و رمز سربازی را به درستی بیاموزد و هم با یک دوره فشرده از تاریخ پیامبران و دلایل ولایت امیر مؤمنان علیه السلام آشنا شود. مستحب است دعای ندبه در اعیاد چهارگانه: جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر خوانده شود.^۲

۱. «ندبه» در لغت به معنای گریه و زاری است و نامیده شدن این دعا به این نام به جهت اظهار ناله و اندوهی است که به خاطر مصائب خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و مخصوصاً فراق و دوری حضرت مهدی علیه السلام در آن منعکس شده است.

۲. این دعا را سید بن طاووس در مصباح الزائر، صفحه ۴۴۶ - ۴۵۳ و محمّد بن المشهدی در مزار کبیر، صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، و درود خدا بر

مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ، وَسَلَّم تَسْلِيمًا، اللَّهُمَّ

آقا و سرور ما پیامبر خدا محمد و خاندان پاکش و سلام مخصوص خدا بر آنان باد، خدایا

لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَائِكَ فِي

حمد و سپاس از آن توست بر آنچه در میان

أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ اسْتَخَلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ

اولیائت مقدر ساختی، همانانی که برای خود

وَدَيْنِكَ، إِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنْ

و دینت خالصشان نمودی، آنگاه که نعمتهای بزرگ جاودان

→ ۵۷۳ آورده‌اند، مرحوم علامه مجلسی نیز در بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۰۴ - ۱۱۰ آن را نقل کرده است. همچنین علامه مجلسی در کتاب زادالمعاد، صفحه ۳۹۱ - ۵۰۴ این دعا را به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است و مطابق برخی دیگر از روایات، این دعا از ناحیه امام زمان علیه السلام توسط یکی از نوایش رسیده است که در واقع تأکیدی است بر آنچه که امام صادق علیه السلام آن را بیان فرموده است. (برای توضیح بیشتر به کتاب «ندبه و نشاط» تألیف دانشمند ارجمند، مرحوم آقای زمردیان مراجعه شود).

النَّعِيمِ الْمُقِيمِ، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا

نزد خودت را بر ایشان برگزیدی نعمتهایی که زوال

اضْمِحْلَالٍ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي

و نابودی ندارد، پس از آنکه بی‌توجهی

دَرَجَاتٍ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ، وَزُخْرُفِهَا

به مقامات و زرق و برق دنیای فانی را بر آنان شرط نمودی،

وَزِبْرِجِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ

پس آنان نیز آن را پذیرفتند و تو وفاداری آنان را

الْوَفَاءَ بِهِ، فَاقْبَلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمْ

به پیمانشان دانستی و آنان را پذیرفته و مقرب درگاه خویش ساختی، و بلندنامی

الذِّكْرَ الْعَلِيِّ، وَالثَّنَاءَ الْجَلِيِّ، وَاهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ

و ثنای آشکار را عطایشان نمودی، و فرشتگانت را بر آنان

مَلَأَيْتَكْتَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ

فرو فرستادی و با وحیت گرامیشان داشتی، و با علم خویش

بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ

حمایتشان نمودی، و آنان را دستاویزی به درگاهت و وسیله‌ای برای

إِلَىٰ رِضْوَانِكَ، فَبَعْضٌ أَسْكَنَتْهُ جَنَّتِكَ إِلَىٰ أَنْ

خشنودیت قرار دادی، و بعضی از آنان (آدم(ع)) را در بهشت جای دادی تا زمانی که

أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضٌ حَمَلَتْهُ فِي فُلْكَكَ،

از آن جا خارج نمودی و بعضی دیگر (نوح(ع)) را بر کشتی سوار کرده

وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ،

و او و مؤمنان همراهش را با رحمت خود از هلاکت نجات دادی،

وَبَعْضٌ اتَّخَذَتْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً، وَسَتَلَّكَ لِسَانَ

و بعضی دیگر را (ابراهیم(ع)) برای خود دوست برگزیدی، و او از تو

صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَاجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذَلِكَ

نیک نامی در میان آیندگان را درخواست کرد پس اجابت نموده و نامش را

عَلِيًّا، وَبَعْضٌ كَلَّمَتْهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا،

بلندمرتبه ساختی، و با بعضی دیگر (موسی(ع)) از درون درخت سخن گفتی،

وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِذْءًا وَوَزِيرًا، وَبَعْضٌ

و برادرش (هارون) را پشتیبان و وزیرش قرار دادی، و بعضی

أَوْلَدَتْهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي، وَأَتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ

دیگر (عیسی(ع)) را بدون پدر دنیا آوردی و به او دلایل روشن دادی و با جبرئیل

بُرُوحِ الْقُدُسِ، وَكُلُّ شَرَعَتْ لَهُ شَرِيعَةً،

تأییدش نمودی، و برای هر یک (از انبیا) شریعت و آیین

وَنَهَجَتْ لَهُ مِنْهَا جَاءً، وَتَخَيَّرَتْ لَهُ أَوْصِيَاءَ

و راه و روشی خاص قرار داده و جانشینانی برگزیدی

مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مَدَّةٍ إِلَى مَدَّةٍ،

تا یکی پس از دیگری در زمان معین،

إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلِتَلَّا يَزُولَ

نگهبان و برپادارندهٔ دین و حجت بر بندگانت باشند، تا حق

الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ،

از جایگاهش زایل نشود و باطل بر پیروان حقیقت غلبه نکند،

وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا

و کسی نگوید چرا (برای هدایت) رسول بیم دهنده‌ای را به سوی ما

مُنْذِرًا، وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ

نفرستادی و نشانهٔ هدایت را بر ما نداشتی، تا پیش از آنکه خوار و رسوا

مِنْ قَبْلِ أَنْ نَنْزِلَ وَنَخْزِي، إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ

شویم از آیاتت پیروی کنیم؟! (ارسال پیامبران ادامه یافت) تا آنکه کارت را

بِالْأَمْرِ إِلَىٰ حَبِيبِكَ وَنَجِيْبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

به دست دوست و بنده واقعت محمد - که درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكَانَ كَمَا أَنْتَجِبْتَهُ سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ،

بر او و خاندان پاکش باد - به پایان رساندی پس او آن‌گونه بود که او را برگزیدی،

وَصَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ،

سرور مخلوقات، و برگزیده برگزیدگان، و برترین انتخاب شدگان

وَأَكْرَمَ مِنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ،

و گرامی‌ترین اعتماد شدگان، که او را بر پیامبران مقدم داشته

وَبَعَثْتَهُ إِلَىٰ الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ

و به سوی همهٔ بندگان از جن و انس مبعوث نمودی،

مَشَارِقَكَ، وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ،

و شرق و غرب عالم را تحت سلطه‌اش قرار دادی، و مرکب آسمانی را مسخرش ساختی،

وَعَرَجْتَ بِهِ بِرُوحِهِ إِلَىٰ سَمَائِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ

و او را به سوی آسمان بالا بردی، و علم گذشتگان

عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَىٰ انْقِضَاءِ خَلْقِكَ،

و آیندگان تا پایان آفرینشت را به او سپردی،

ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرِئِيلَ

سپس او را با ایجاد ترس (در دل دشمنانش) یاری کردی، و جبرئیل

و میکائیل، و الْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ،

و میکائیل و فرشتگان نشان‌دار را گرداگردش قرار دادی،

و وَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ

و به او وعده دادی که دینش را بر همه ادیان پیروز گردانی هر چند که

كُرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءَ

مشرکان آن را ناپسند دارند و این پیروزی پس از آن بود که او را

صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ أَوْلَ بَيْتٍ

در جایگاه صدق و راستی در میان خاندانش جای دادی، و برای او و خاندانش اولین خانه‌ای

وَضِعَ لِلنَّاسِ، لِلَّذِي بِيَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى

که برای مردم ساخته شده قرار دادی، خانه‌ای در مکه، مایهٔ برکت و هدایت

لِلْعَالَمِينَ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ، مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ،

برای جهانیان، که نشانه‌های روشن هدایت و مقام ابراهیم

وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، وَقُلْتَ إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ

در آن است و هر کس داخل آن شود ایمن است؛ و فرمودی: خداوند می‌خواهد

لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَيُطَهِّرَكُمْ

پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

تَطْهِيراً، ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ

سپس در کتابت پاداش محمد - که درود تو بر او

وآله مودتت‌هم فی کتابک، فَقُلْتَ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ

و خاندان پاکش باد - را دوستی خاندانش قرار دادی، و فرمودی: بگو، من هیچ

عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، وَقُلْتَ مَا

پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم، جز دوستی نزدیکانم [= اهل بیتم]، و فرمودی:

سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ، وَقُلْتَ مَا أَسْأَلُكُمْ

پاداشی که از شما می‌طلبم به نفع شماست، و فرمودی: من در برابر آن (رسالت)

عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ

هیچ پاداشی از شما نمی‌طلبم مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش

سَبِيلًا، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْأَلُكَ

برگزینند، و اینان همان راه رسیدن به تو و طریق رسیدن به

إِلَىٰ رِضْوَانِكَ، فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ، أَقَامَ وَلِيِّهُ

خشنودی تو می‌باشند، پس آن گاه که روزگار رسالتش سپری شد، باورش

عَلِيَّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا

علی بن ابیطالب - که درود تو بر هر دوی آنان و خاندانشان باد -

هَادِيًا، اِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْدَرُ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ

را برای هدایت برگزید، چرا که او بیم دهنده بود و برای هر گروهی هدایتگری لازم است،

وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ،

بیامبر (در غدیر) وقتی مردم پیش رویش بودند فرمود: هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست،

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَانصُرْ

خدایا با دوستدارانش دوست و با دشمنانش دشمن باش، و یاورانش را

مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَقَالَ مَنْ كُنْتُ

یاری و رهاکنندگانش را رها کن، و فرمود: هر کس

أَنَا نَبِيُّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ، وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ

من پیامبر اویم پس علی فرمانروای اوست، و فرمود: من و علی از یک درخت و ریشه‌ایم

وَاحِدَةٍ، وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى، وَآحَلَهُ

و بقیه مردم از درختان و ریشه‌های مختلفند و او را درجایگاهی

مَحَلِّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي

همانند جایگاه هارون نسبت به موسی قرار داده، به او فرمود: موقعیت تو نسبت به من

بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ

مانند موقعیت هارون نسبت به موسی است جز اینکه پس از من پیامبری

بَعْدِي، وَزَوْجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

نیست سپس دخترش سرور بانوان جهان را به همسری او درآورد،

وَاحِلٌ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ

و از مسجدش آنچه برای خودش حلال بود بر او حلال کرد و جز در خانه

الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابَهُ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ،

او تمامی درهایی که به مسجد باز بود را بست، سپس دانش و حکمتش را به او سپرد

فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بِأَبِهَا، فَمَنْ أَرَادَ

و فرمود: من شهر علمم و علی در آن است، پس هر کس

الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ، فَلْيَأْتِهَا مِنْ أَبِهَا، ثُمَّ قَالَ

شهر و حکمت آن را بخواهد، باید از در آن داخل شود، سپس فرمود:

أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي، لَحْمِكَ مِنْ

تو برادر و جانشین و وارث منی، گوشت تو از

لَحْمِي، وَدَمِّكَ مِنْ دَمِي، وَسِلْمُكَ سِلْمِي،

گوشت من، و خون تو از خون من است، سازش تو سازش من

وَحَرْبُكَ حَرْبِي، وَالْإِيمَانُ مُخَالِطٌ لَحْمِكَ

و جنگ تو (با هر کس) جنگ من (با او) است، و ایمان با گوشت

وَدَمِّكَ، كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِّي، وَأَنْتَ غَدَاً

و خونت آمیخته است آن‌گونه که با گوشت و خون من آمیخته شده، و تو فردا (ی قیامت)

عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي، وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي،

جانشین من بر کنار حوض کوثری، و تو قرض مرا ادا نموده

و تُنْجِزُ عِدَاتِي، وَشِيعَتِكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ،

و عهد و پیمانم را به انجام می‌رسانی، و شیعیان تو بر جایگاهی از نور،

مَبِيضَةٌ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ، وَهُمْ

با چهره‌هایی درخشان در بهشت در اطراف من و همسایگان منند،

جِيرَانِي، وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ

و ای علی، اگر تو نبودی مؤمنان بعد از من شناخته نمی‌شدند،

الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي، وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنْ

و علی پس از رسول خدا وسیلهٔ هدایت

الضَّلَالِ، وَنُوراً مِنَ الْعَمَى، وَحَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ،

از گمراهی و نور و روشنی از کوری جهالت و ریسمان محکم الهی

وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمَ، لَا يُسْبِقُ بَقْرَابَةَ فِي رَحِمِ،

و راه مستقیم پروردگار بود، و کسی نه در قرابت و خویشاوندی

وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينِ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ

و نه از نظر سابقه در دین بر او پیشی نگرفت، و در هیچ یک از فضایلش کسی به پای او نرسید،

مَنَاقِبِهِ، يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا

یا در جای پای رسول خدا نهاد - که درود خدا بر آن دو

وَأَلِهِمَا، وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّوِيلِ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي

و خاندان پاکشان باد - و از روی واقعیت قرآن پیکار می نمود

اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمًا، قَدْ وَتَرَ فِيهِ صِنَادِيدَ الْعَرَبِ،

و در راه خدا سرزنش هیچ ملامتگری در او اثر نداشت، دلاوران عرب را در راه خدا در تنگنا

وَقَتَلَ أَبْطَالَهُمْ وَنَاوَشَ ذُؤَبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ

گذاشت و پهلوانانشان را کشته و با گردنکشان آنها جنگید،

قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحَنِينِيَّةً

و این سبب شد که کینه های جنگ های بدر و خیبر و حنین

و غَيْرُهُنَّ، فَاصْبَتْ عَلَى عَدَاوَتِهِ، وَآكَبَتْ عَلَى

و جنگ های دیگر را به دل گرفتند و به دشمنیش دل بستند و بر مخالفت با

مُنَابَذَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ النَّاَكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ

او بسیج شدند، تا اینکه با پیمان‌شکنان و ستمگران

وَالْمَارِقِينَ، وَلَمَّا قَضَىٰ نَحْبَهُ، وَقَتَلَهُ أَشَقَىٰ

و خارج شدگان از دین به نبرد برخاست، و هنگامی که زمان شهادتش رسید، و بدبخت‌ترین از

الْآخِرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَىٰ الْأَوَّلِينَ، لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ

پسینیان که از بدبخت‌ترین پیشینیان پیروی می‌کرد او را کشت، فرمان

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ

رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - در مورد هدایت‌کنندگان

الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَىٰ مَقَّتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ

دین یکی پس از دیگری اطاعت نشد، (بلکه) مردم بر دشمنی با او پافشاری کردند

عَلَىٰ قَطِيعَةِ رَحِمِهِ، وَأَقْضَاءِ وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ

و برای گسستن او از خاندانش و تبعید فرزندانش اجتماع نمودند، جز عده

مِمَّنْ وَفَىٰ لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ،

کمی که به رعایت حق در مورد آنان وفا نمودند، در نتیجه گروهی به شهادت رسیدند

وَسَبِيٍّ مِنْ سَبِيٍّ، وَأَقْصَىٰ مِنْ أَقْصَىٰ، وَجَرَىٰ

و گروهی اسیر و جمعی نیز تبعید شدند، و سرنوشت برای آنان

الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ

به گونه‌ای رقم خورد که امید پاداش نیک بر آن می‌رفت،

كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ،

زیرا زمین از آن خداست و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد می‌دهد،

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ

و سرانجام نیک از آن پرهیزکاران است و تسبیح می‌کنیم پروردگاران را که

وَعَدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ

وعدده‌اش حتمی است و هرگز از آن تخلف نمی‌کند و او

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ

قدرتمند و داناست، پس گریه‌کنندگان باید بر پاکان از خاندان

مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا،

محمد و علی - که درود خدا بر هر دوی ایشان و خاندانشان باد -

فَلَيْبِكِ الْبَاكُونَ، وَإِيَاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ،

گریه کنند و شیون‌کنندگان بر آنان شیون کنند

وَلِمَثَلِهِمْ فَالْتَدْرِفِ الدَّمُوعُ، وَلِيَصْرُخْ

و برای چنین افرادی باید اشکها جاری گردد و فریادزنندگان

الصَّارِحُونَ، وَ يَضِحُّ الضَّاجُونَ، وَيَعِجُّ

فریاد زنند و زاری کنندگان شیون کنند و ناله کنندگان

الْعَاجُونَ، أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ، أَيْنَ أَبْنَاءِ

فریاد کنند، که حسن کجاست؟، حسین کجاست؟ فرزندان

الْحُسَيْنِ، صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَ صَادِقٌ بَعْدَ

حسین کجایند؟ شایسته‌ای پس از شایسته و راستگویی پس

صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ الْخَيْرَةِ

از راستگوی دیگر، کجاست راه راست پس از این راه راست؟ کجاست برگزیدگان

بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ الشُّمُوسِ الطَّالِعَةِ، أَيْنَ

بعد از برگزیدگان؟ کجایند خورشیدهای تابان؟ کجایند

الْأَقْمَارِ الْمُنِيرَةِ، أَيْنَ الْأَنْجَمِ الزَّاهِرَةِ، أَيْنَ

ماه‌های نورافشان؟ کجایند ستارگان درخشان، کجایند

أَعْلَامُ الدِّينِ وَ قَوَاعِدُ الْعِلْمِ، أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي

بزرگان دین و پایه‌های دانش؟ کجاست ذخیرهٔ خدایی

لَا تَخْلُو مِنْ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ، أَيْنَ الْمَعْدِ

که از عترت هدایتگر بیرون نیست؟ کجاست آن کسی

لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ، أَيَّنَ الْمُتَتَّظِرِ لِاقَامَةِ

که برای قطع ریشهٔ ستمگران آماده شده؟ کجاست آن کسی که برای اصلاح

الْأُمَّتِ وَالْعَوَجِ، أَيَّنَ الْمُرْتَجِي لِإِزَالَةِ

نادرستی‌ها و کجی‌ها به انتظارش نشسته‌اند؟ کجاست آن کسی که برای از بین بردن

الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، أَيَّنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ

جور و ستم به او امید بسته شده؟ کجاست آن کسی که برای تجدید

الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، أَيَّنَ الْمُتَخَيِّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ

واجبات و سنتها ذخیره شده؟ کجاست آنکه برای بازگرداندن دین

وَالشَّرِيعَةِ، أَيَّنَ الْمُؤَمِّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ

و آیین برگزیده شده؟ کجاست آن کسی که برای زنده کردن قرآن

وَحُدُودِهِ، أَيَّنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَآهْلِهِ، أَيَّنَ

و اجرای حدود آن آرزو شده؟ کجاست زنده کننده آثار دین و اهل آن؟ کجاست

قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ، أَيَّنَ هَادِمِ أْبْنِيَةِ

درهم شکنندهٔ قدرت متجاوزان؟ کجاست ویران کنندهٔ بناهای

الشُّرْكِ وَالنِّفَاقِ، أَيَّنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُسُوقِ

شرک و نفاق؟ کجاست نابودکنندهٔ فاسقان

وَالْعَصِيَانِ وَالطُّغْيَانِ، أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغِيِّ

و نافرمانان و طغیانگران؟ کجاست قطع کننده شاخه‌های گمراهی

وَالشُّتَاقِ، أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ،

و اختلاف؟ کجاست محو کننده نشانه‌های انحراف و هواپرستی؟

أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ، أَيْنَ مُبِيدُ

کجاست قطع کننده رشته‌های دروغ و تهمت؟ کجاست نابود کننده

الْعُتَاةِ وَالْمَرَدَّةِ، أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ

گردنکشان و سرکشان؟ کجاست ریشه‌کن کننده معاندان

وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ، أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ

و گمراه کننده‌گان و بی‌دینان؟ کجاست عزت‌بخش دوستان و خوار کننده

الْأَعْدَاءِ، أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، أَيْنَ

دشمنان؟ کجاست گردآورنده سخنان بر محور تقوا؟ کجاست

بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى، أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي

آن درگاه خدا که از آن وارد شوند؟ کجاست آن جلوه خدا که

إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ

اولیا به آن توجه می‌کنند؟ کجاست آن وسیله پیوند میان

الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَيَّنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ

زمین و آسمان؟ کجاست صاحب روز پیروزی

وَنَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى، أَيَّنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ

و برافزنده پرچم هدایت؟ کجاست گردآورنده همه شایستگی‌ها

وَالرِّضَا، أَيَّنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ

و خشنودی‌ها؟ کجاست خون خواه پیامبران و فرزندان

الْأَنْبِيَاءِ، أَيَّنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ،

پیامبران؟ کجاست خون خواه شهید کربلا؟

أَيَّنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى،

کجاست یاری شده در برابر دشمنان و تهمت زندگانش؟

أَيَّنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى، أَيَّنَ

کجاست درمنده‌ای که چون دعا کند مستجاب می‌شود؟ کجاست

صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، أَيَّنَ

سرسلسله مخلوقات، آن صاحب نیکی و تقوا؟ کجاست

ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى،

فرزند پیامبر برگزیده، و فرزند علی مرتضی

وَإِبْنُ خَدِيجَةَ الْغُرَاءِ، وَإِبْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى،

و فرزند خدیجهٔ بزرگوار و فرزند فاطمهٔ کبری،

بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوِقَاءُ وَالْحِمَى،

پدر و مادر و جانم سپر بلا و نگهبان تو باد،

يَا بَنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا بَنَ النَّجَبَاءِ

ای فرزند بزرگ مقربان الهی، ای فرزند بزرگ‌زادگان

الْأَكْرَمِينَ، يَا بَنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، يَا بَنَ

گرامی، ای فرزند هدایت‌گران هدایت‌یافته، ای فرزند

الْخَيْرَةِ الْمَهْدِيِّينَ، يَا بَنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا

نیکان وارسته، ای فرزند بزرگان گرامی، ای فرزند پاکان پاکیزه، ای

بَنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا بَنَ الْخَضَارِمَةِ

فرزند سخاوتمندان برگزیده، ای فرزند بزرگان

الْمُتَّجِبِينَ، يَا بَنَ الْقِمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بَنَ

گرامی، ای فرزند ماه‌های تابان،

الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا بَنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، يَا بَنَ

ای فرزند چراغ‌های نورافشان، ای فرزند

الشُّهْبِ الثَّقِيْبَةِ، يَا بْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَا بْنَ

شهب‌های نافذ، ای فرزند ستارگان درخشان، ای فرزند

السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، يَا بْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَا بْنَ

راه‌های آشکار حق، ای فرزند نشانه‌های روشن هدایت، ای فرزند

الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَا بْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا بْنَ

دانش‌های کامل، ای فرزند سنت‌های معروف، ای فرزند

الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، يَا بْنَ الْمُعْجَزَاتِ

نشانه‌های رسیده از جانب حق، ای فرزند معجزه‌های

الْمَوْجُودَةِ، يَا بْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَا بْنَ

موجود، ای فرزند راهنمایی‌های آشکار، ای فرزند

الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا بْنَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ،

راه راست، ای فرزند خیر بزرگ،

يَا بْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ

ای فرزند کسی که در ام‌الکتاب نزد خداوند برتر

حَكِيمٌ، يَا بْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَا بْنَ الدَّلَائِلِ

و داناست، ای فرزند نشانه‌ها و دلایل آشکار، ای فرزند

الظَاهِرَاتِ، يَا بَنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ

دلایل روشن، ای فرزند برهان‌های آشکار درخشان،

الْبَاهِرَاتِ، يَا بَنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ، يَا بَنَ النِّعَمِ

ای فرزند حجّت‌های فراگیر، ای فرزند نعمت‌های

السَّابِغَاتِ، يَا بَنَ طَهٍ وَ الْمُحَكَّمَاتِ، يَا بَنَ

فراوان، ای فرزند طه و محکّمات قرآن، ای فرزند

يَسٍ وَالذَّارِيَاتِ، يَا بَنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ، يَا

یاسین و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات، ای

بَنَ مَنْ دُنِيَ فَتَدَلِّي، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ

فرزند آن که نزدیک و نزدیکتر شد تا آنکه فاصله او (با پیامبر) به اندازه فاصله دو کمان

أَدْنَى دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ

با کمتر شد، در نزدیکی و قربت به خدای والای بلندمرتبه (ای امام زمان) کاش

شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَيْ أَرْضِ

می‌دانستم در کجا منزل گزیده‌ای، و کدامین سرزمین

تُقَلِّكُ أَوْ ثَرِي، اِبْرَضُوئِ أَوْغَيْرِهَا، أَمْ ذِي

و مکان تو را در خود جای داده؟ آیا در کوه «رَضَوایی» یا غیر آن یا در سرزمین

طَوِي، عَزِيْزٌ عَلَيَّ اَنْ اَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرِي،

«ذی طوی»؟ بر من دشوار است که مردم را ببینم ولی تو دیده نشوی،

وَلَا اَسْمَعُ لَكَ حَسِيْسًا وَلَا نَجْوَى، عَزِيْزٌ عَلَيَّ

و صدا و نجوایی از تو نشنوم، بر من دشوار است

اَنْ تُحِيْطَ بِكَ دُوْنِي الْبَلْوَى، وَ لَا يَنْالُكَ مِنْيْ

که تنها تو گرفتار رنج و بلا باشی نه من، و ناله و شکایت

ضَجِيْحٌ وَ لَا شَكْوَى، بِنَفْسِيْ اَنْتَ مِنْ مُغِيْبٍ

من به تو نرسد، جانم فدای تو غایبی که هرگز

لَمْ يَخْلُ مِنْنا، بِنَفْسِيْ اَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ

از میان ما بیرون نیستی، جانم فدای تو دور از نظری که

عَنَّا، بِنَفْسِيْ اَنْتَ اٰمِنِيَّةٌ شَائِقٍ يَتَمَنِّي، مِنْ مُؤْمِنٍ

از ما دور نیستی، جانم فدای تو منتهای آرزوی مشتاقان که هر

وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا، بِنَفْسِيْ اَنْتَ مِنْ عَقِيْدٍ عَزِيْزٌ

مرد و زن مؤمنی آرزوی تو را دارند، و تو را یاد کرده و ناله کنند،

لَا يُسَامِي، بِنَفْسِيْ اَنْتَ مِنْ اَثِيْلِ مَجْدٍ

جانم فدای تو عزتمندی که همانندی نداری،

لَا يُجَارِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادِ نِعَمٍ لَا

جانم فدای تو ریشه و اصل بزرگواری که همطرازی نداری،

تُضَاهِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرَفٍ لَا

جانم فدای تو نعمت پایدار و دیرینه‌ای که شبیه و ماندنی نداری،

يُسَاوِي، إِلَى مَتَى أَحَارُ فِيكَ يَا مَوْلَايَ، وَالْإِلَى

جانم فدای تو شرافتمندی که نظیری نداری، تا به کی حیران تو باشم ای مولای من؟ و تا

مَتَى، وَإِلَى خِطَابِ أَصْفِ فِيكَ، وَإِلَى نَجْوَى،

به کی و با کدامین گفتار و کدامین نجوا تو را توصیف کنم؟

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغِي،

بر من دشوار است که پاسخم را از غیر تو بشنوم و با او گفتگو کنم،

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرَى، عَزِيزٌ

بر من دشوار است که (در فراق) بگریم و دیگران به تو بی‌اعتنا باشند، بر من دشوار

عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى، هَلْ

است که سختی‌ها بر تو بگذرد نه بر آنها، آیا

مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ، هَلْ مِنْ

یاری کننده‌ای هست که همراه او گریه و ناله را طولانی کنم؟ آیا

جَزُوعٍ فَاسَاعِدْ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا، هَلْ قَدِيتَ

بی‌تابی هست که او را بر بی‌تابیش در زمان تنهایی یاری کنم؟ آیا چشم

عَيْنٌ فَسَاعِدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى، هَلْ إِلَيْكَ

گریبان در اثر خار فراقی هست که چشم من او را بر گریستن یاری کند؟

يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمًا

ای پسر احمد آیا راهی هست که تو را ملاقات کنم؟ آیا روز فراق ما

مِنْكَ بَعْدَهُ فَنَحْظِي، مَتَى نَرُدُّ مَنَاهْلَكَ الرَّوِيَّةَ

به وعده‌دایدار تو منتهی می‌شود تا از آن بهره‌مند شویم؟ کی به چشمه‌های سیراب‌کننده (معرفت) وارد می‌شویم

فَنَرَوْي، مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ

تا سیراب شویم؟ کی از آب گوارای (وصالت) سیراب شویم چرا که تشنگی طولانی

الصَّدي، مَتَى نُغَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ فَنَقِرَّ عَيْنًا،

شده؟، کی می‌شود که شب و روز را با تو به سر ببریم تا دیدگان ما (به نور جمالت) روشن شود؟

۱. در بحارالانوار: بَعْدَهُ.

۲. در بحارالانوار و اقبال: فَتَقِرَّ مِنْهَا.

مَتَى تَرَانَا وَنَرِيكَ، وَقَدْ نَشَرْتَ لِرِوَاءِ النَّصْرِ

کی همدیگر را ببینیم در حالی که پرچم نصر و پیروزی را

تُری، اَتْرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَأْمُ الْمَلَأَ،

عیان برافراشته‌ای؟ آیا روزی را می‌بینی که ما گرد تو جمع شده‌ایم و تو پیشوای مایی؟

وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَذَقْتَ أَعْدَانَكَ

در حالی که زمین را پر از عدل و داد کرده‌ای و به دشمنانت

هُوَانًا وَعِقَابًا، وَأَبْرَتِ الْعَتَاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ،

خواری و عقوبت را چشانده و سرکشان و منکران حق را نابود کرده‌ای

وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَشَّتْ أُصُولَ

و نسل متکبران را قطع نموده و ریشه ستمکاران را

الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

بر کنده‌ای و ما (در آن روز) می‌گوییم حمد و سپاس مخصوص پروردگار

الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى،

جهانیان است، خدایا تو برطرف کننده اندوهها و گرفتاری‌هایی

وَالْيَكِ اسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى، وَأَنْتَ رَبُّ

و از تو یاری می‌خواهم که یاری و کمک فقط نزد توست و تو پروردگار

الْآخِرَةَ وَالْدُّنْيَا، فَاعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ،

آخرت و دنیایی، پس به فریاد بنده گرفتارت برس، ای فریادرس فریادرس خواهان،

عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَى، وَارِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى،

و ای دارنده قدرت عظیم، آقا و سرورش را به او نشان ده،

وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى، وَبَرِّدْ عَلَيْهِ يَا

و به این وسیله اندوه و سوز دلش را برطرف کن، و عطشش را فرو نشان،

مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَ مَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى

ای که بر عرش مسلطی، و ای که بازگشت و نهایت کار به سوی توست،

وَالْمُنْتَهَى، اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَيْ

خدایا ما بندگان تو مشتاق ولایت هستیم، آن که مردم را به

وَلَيْكَ الْمَذَكَّرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً

یاد تو و پیامبرت می‌اندازد، تو او را نگهدار و پناهگاه ما آفریدی

وَمَلَاذًا، وَ أَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا، وَ جَعَلْتَهُ

و او را مایه قوت و پناه ما ساختی، و برای مؤمنین از

لِلْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَمَامًا، فَبَلِّغُهُ مِنْ تَحِيَّةٍ وَسَلَامًا،

ما امام و پیشوا قرار دادی، پس ای پروردگار ما درود و سلام ما را به او برسان

وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ اِكْرَامًا، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا

و بدین وسیله بر کرامت ما بیفزای و جایگاه او را جایگاه

مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا، وَاتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِلَيْهِ

و اقامتگاه ما قرار ده، و با قرار دادن او پیشاپیش ما، نعمتت را بر ما تمام گردان

أَمَامَنَا، حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ وَمُرَافِقَةَ الشُّهَدَاءِ

تا ما را به بهشت و همنشینی شهیدان

مِنْ خُلَصَائِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

از بندگان خالصت وارد سازد، خدایا بر محمد و خاندان

مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَرَسُولِكَ

پاکش درود فرست، و درود فرست بر محمد، جد وی و فرستاده‌ات

السَّيِّدِ الْاَكْبَرِ، وَعَلٰى اَبِيهِ السَّيِّدِ الْاَصْغَرِ،

آقای بزرگ و بر پدرش آقای کوچکتر (از پیامبر)

وَجَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةَ الْكُبْرٰى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ،

و جداهش صدیقه کبری، فاطمه دختر محمد،

وَعَلَىٰ مَنِ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ، وَعَلَيْهِ

و بر آثانی که از میان پدران نیکوکارش (برای امامت) برگزیدی، و بر خود آن حضرت،

أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَتَمَّ وَأَدْوَمَ وَأَكْثَرَ وَأَوْفَرَ مَا

برترین، کاملترین، تمام‌ترین، پیوسته‌ترین، بیشترین و فراوان‌ترین

صَلَّيْتَ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ

درودی که بر هر یک از برگزیدگان و نیکان از بندگانت فرستاده‌ای،

خَلْقِكَ، وَصَلُّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا،

و بر او درود فرست درودی که عددش را پایانی

وَلَا نِهَائَةَ لِمَدَدِهَا، وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا،

و مدتش را نهایی و دوره‌اش را انتهای نباشد،

اللَّهُمَّ وَاقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَادْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ،

خدایا به وسیله او حق را بپا دار و باطل را بی‌اعتبار ساز،

وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَأَذِلْ بِهِ أَعْدَائَكَ، وَصِلْ

و دوستانت را مکتب ده و دشمنانت را خوار گردان،

اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَةٌ تُؤَدِّي إِلَىٰ مُرَافَقَةٍ

خدایا میان ما و او را پیوندی ده که به دوستی گذشتگانش منجر شود

سَلَفِهِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ،

و ما را از کسانی قرار ده که به دامان آنها چنگ زده

وَيَمْكُتُ فِي ظِلِّهِمْ، وَاعِنَّا عَلَى تَادِيَةِ

و در سایه (ولایت) آنها مأوی گزینند، و ما را بر ادای

حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ

حقوق و کوشش در فرمانبرداری و دوری از نافرمانیش یاری ده،

مَعْصِيَتِهِ، وَامْنِ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا رَافِعَهُ

و با خوشنودیش بر ما منت گذار و مهربانی

وَرَحْمَتَهُ، وَدُعَائِهِ وَخَيْرِهِ، مَا نُنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ

و رحمت و دعا و خیرش را تا جایی که به وسیله آن به وسعت

رَحْمَتِكَ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ

رحمت و رستگاری در نزدت دست یابیم به ما عطا کن

مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً، وَدُعَائِنَا بِهِ

و به برکت وجود او نمازهای ما را بپذیر و گناهان ما را بیمارز و دعاهای ما را

مُسْتَجَاباً، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً،

مستجاب گردان و روزی ما را گسترده فرما

وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً، وَحَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً،

و غم و اندوه ما را برطرف ساز و حاجت‌های ما را برآور

وَاقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنَا

و با لطف کریمانهات به ما توجه کن، و نزدیکی ما به درگاهت را بپذیر

إِلَيْكَ، وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً، نَسْتَكْمِلُ بِهَا

و مهربانانه به ما نظر کن، تا بوسیله آن مقام خود را

الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ،

نزد تو، به کمال رسانیم، سپس به جود و بخشش نظرت را از ما برمگردان

وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

و ما را از حوض (کوثر) جدش - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد -

بِكَاسِهِ وَبِيَدِهِ، رِيًّا رَوِيًّا هَنِئًا سَائِعًا، لَا ظَمًا

از جام او به دستش، آبی خوش طعم، فراوان و گوارای خوشگوار، سیراب‌گردان، آن گونه که پس

بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

از آن هرگز تشنگی نباشد، ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعای سمات^۱:

از دعاهای مشهور است که اکثر علمای بزرگ به آن عنایت داشته‌اند. مستحب است این دعا را در ساعت‌های آخر روز جمعه بخوانند. این دعا از جناب محمد بن عثمان عمری رضی الله عنه که یکی از نواب چهارگانه امام زمان علیه السلام است به سندش از حضرت امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده است. همان‌گونه که در روایت آمده، این دعا برای رفع شرّ و ستم دشمنان و اجابت سریع دعاها و پاداش فراوان الهی، مؤثر است.^۲ این دعا طبق نقل «مصباح المتهدّج»^۳ چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ^۴،

خدایا به حق نام بزرگ و بسیار با عظمت

۱. سمات، جمع «سمه» به معنای علامت‌ها و نشانه‌هاست، گویا نشانه‌های اجابت در این دعا پیداست، (بحارالانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۰۲).
 ۲. بحارالانوار، جلد ۸۷، صفحه ۹۶.
 ۳. این دعا در مصباح المتهدّج، صفحه ۴۱۶ و جمال الاسبوع، صفحه ۵۳۳ و دیگر کتب دعا نقل شده است. مرحوم علامه مجلسی نیز آن را در بحارالانوار، جلد ۸۷، صفحه ۹۶ به بعد با شرح و توضیح آورده است.
 ۴. در بحارالانوار، سه بار کلمه «الأعظم» تکرار شده است.

الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلِيٌّ

و محبوب و عالی و گرامیت از تو می‌خواهم به حق نامی که اگر خوانده شوی

مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ،

به آن نام برای گشایش درهای بسته آسمان، به رحمت و بخشش باز می‌شود

وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلِيٌّ مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ

و اگر خوانده شوی به آن نام برای گشایش تنگناها و سختی‌های زمین،

لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلِيٌّ الْعُسْرِ

گشوده می‌شود، و اگر خوانده شوی به آن نام برای آسان شدن دشواری‌ها،

لِلْيُسْرِ تَيْسَّرَتْ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلِيٌّ الْأَمْوَاتِ

آسان شود و اگر خوانده شوی به آن نام برای زنده شدن مردگان،

لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلِيٌّ كَشَفِ

زنده شوند، و اگر خوانده شوی به آن نام برای برطرف شدن

الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ انْكَشَفَتْ، وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ

سختی‌ها و ناگواری‌ها، برطرف شود (و از تو می‌خواهم) به حق ذات ارجمند

الْكَرِيمِ، أَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَأَعَزِّ الْوُجُوهِ، الَّذِي

و گرامیت، گرامی‌ترین و محبوب‌ترین ذاتی که در برابرت

عَنْتَ لَهُ الْوُجُوهُ، وَخَضَعَتْ لَهُ الرُّقَابُ،

فروتنی کرده‌اند و گردنکشان در مقابلت تسلیم و مطیع گردیده‌اند،

وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ، وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ

و هر صدایی در حضورت خاموش گشته و هر دلی از ترس تو

مِنْ مَخَافَتِكَ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمْسِكُ

بیمناک گردیده، و (از تو می‌خواهم) به حق آن قدرتت که بوسیله آن

السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ،

آسمان را از فرو ریختن بر زمین جز به اذنت نگه می‌دارد،

وَتُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا،

و آسمان و زمین را از جابجا شدن حفظ می‌کند

وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ،

و (از تو می‌خواهم) به حق اراده و خواستت که جهانیان در مقابل آن مطیعند،

وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَوَاتِ

و (از تو می‌خواهم) به حق آن کلمه‌ای که به واسطه آن آسمان

وَالْأَرْضَ، وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ

و زمین را آفریدی و به حق آن دانایی و حکمتت که به واسطه آن

بِهَا الْعَجَائِبَ، وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا

شگفتی‌ها را آفریدی و با آن تاریکی را آفریدی و آن را

لَيْلًا، وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا، وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ

شب و مایه آرامش قرار دادی، و با آن روشنایی را آفریدی و آن را

وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا، وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا،

روز و زمان پراکندگی (برای کار و تلاش) و مایه بینایی قرار دادی

وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً،

و با آن خورشید را آفریدی و آن را درخشان ساختی

وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا،

و با آن ماه را آفریدی و آن را روشنایی (در شب) قرار دادی.

وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُومًا

و با آن ستارگان را آفریدی و آنها را بصورت اختران تابناک

وَبُرُوجًا، وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُومًا، وَجَعَلْتَ

و صور فلکی و چراغ‌های هدایت (در شب) و زینت و آرایش (آسمان) و سنگ‌های

لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ

متحرک قرار دادی و برای آنها محل طلوع و غروب و محل جریان

وَمَجَارِي، وَجَعَلَتْ لَهَا فَلَكَاً وَمَسَابِحَ،

و حرکت و مدارها و جایگاهی که بر آن شناورند قرار دادی

وَقَدَّرَتْهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنَتْ

و برای آنها منزلگاههایی در آسمان معین کرده و به خوبی

تَقْدِيرَهَا، وَصَوَّرَتْهَا فَأَحْسَنَتْ تَصْوِيرَهَا،

اندازه‌گیری نمودی و به بهترین وجه شکل دادی

وَإِخْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِخْصَاءً، وَدَبَّرَتْهَا

و به نام‌های مبارکت آنها را شمارش کردی و با دانایی

بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيرًا فَأَحْسَنَتْ تَدْبِيرَهَا،

و حکمتت به خوبی تدبیر کردی

وَسَخَّرَتْهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ،

و به وسیله قدرت و سلطه شب و روز

وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدِ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ،

و ساعتها و شمارش سالها و برقراری نظم، آنها را مطیع ساختی

وَجَعَلَتْ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرِيًّا وَاحِدًا،

و دیدنشان را برای همه مردم یکسان قرار دادی،

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ

خدایا از تو می‌خواهم به حق بزرگواریت که به واسطه آن

عَبْدَكَ وَرَسُولِكَ، مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ

با بنده و فرستاده‌های موسی بن عمران - که بر او درود

السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ، فَوْقَ إِحْسَاسِ

و سلام باد - در میان فرشتگان پاک سخن گفتمی، (در مکانی) فراتر از درک

الْكُرُوبِيِّينَ، فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ، فَوْقَ تَابُوتِ

فرشتگان مقرب، بر فراز ابرهای نورانی، بالای صندوق شهادت

الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ، وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ،

(که فرشتگان، تورات را با آن حمل می‌کنند) و در میان ستونی از آتش در طور سینا

وَفِي جَبَلِ حُورِيثَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ فِي

و در در کوه حوریت، در سرزمینی پاکیزه، و در

الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ، مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ

مکانی مبارک، از طرف راست کوه طور از درختی

الشَّجَرَةِ، وَفِي أَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ آيَاتِ بَيِّنَاتٍ،

(با موسی سخن گفتمی) و در سرزمین مصر، با نه معجزه آشکار (او را تأیید کردی)،

وَيَوْمَ فَرَّقْتَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَفِي

و (به مجد و بزرگواریت) در روزی که دریا را برای بنی‌اسرائیل شکافتی و در

الْمُنْبِجَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي

چشمه‌های جوشان از سنگ که به واسطه آن شگفتی‌ها را در

بَحْرِ سُوفٍ، وَعَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ

دریای سوف آفریدی و آب را در دل

الْغَمْرِ كَالْحِجَارَةِ، وَجَاوَزْتَ بَيْنِي إِسْرَائِيلَ

آن دریا همانند سنگ محکم ساختی، و بنی‌اسرائیل

الْبَحْرِ، وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَىٰ عَلَيْهِمْ بِمَا

را از آن گذراندی و به واسطه صبر آنها کلمه نیکوت [= حسن قضا]

صَبَرُوا، وَ أَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا

را برایشان به پایان رساندی، و آنها بر سراسر آن سرزمین

الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ

که بر جهانیان مبارک گردانده بودی مالک کردی و فرعون

وَجُنُودَهُ وَ مَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ، وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ

و لشکریانش و آنچه بر آن سوار بودند را در دریا غرق نمودی، و (از تو می‌خواهم) به حق نام بزرگ

الْأَعْظَمَ الْأَعْظَمَ الْأَعَزَّ الْأَجَلَّ الْأَكْرَمَ،

با عظمت بسیار با عظمت و محبوب و عالی و گرامیت

وَبِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمَكَ

و به بزرگواریت که به واسطه آن بر موسی کلیم

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ، وَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ

- که بر او درود و سلام باد - در طور سینا جلوه گر شدی و قبل از آن بر ابراهیم

السَّلَامُ خَلِيلِكَ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ،

خلیل - که بر او درود و سلام باد - در مسجد خیف،

وَلِإِسْحَاقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ شَيْعٍ،

و بر برگزیده‌ات اسحاق - که بر او درود و سلام باد - در چاه شیع،

وَلِيعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ إِبْرَاهِيمَ،

و بر پیامبرت یعقوب - که بر او درود و سلام باد - در خانه ایل (جلوه گر شدی)

وَأَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِيثَاقِكَ،

و به عهد و و پیمانانت با ابراهیم - که بر او درود و سلام باد - وفا کردی،

وَلِإِسْحَاقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحَلْفِكَ، وَلِيعْقُوبَ

و به سوگندت در مورد اسحاق - که بر او درود و سلام باد - و به گواهیت برای یعقوب

عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَهَادَتِكَ، وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ،

- که بر او درود و سلام باد - و به وعدهات برای مؤمنین

وَاللِّدَاعِينَ بِأَسْمَائِكَ فَاجَبْتَ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي

و درخواست کنندگان به نامهایت که (وفا کرده و) اجابت نمودی، و (از تو می‌خواهم) به حق بزرگواریت

ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قُبَّةِ

که در قُبَّة الرمان [= عبادتگاه موسی] بر موسی بن عمران - که بر او درود و سلام باد -

الرُّمَّانِ، وَبِأَيَاتِكَ الَّتِي وَقَعْتَ عَلَى أَرْضِ

اشکار شد و به معجزه‌هایت که در سرزمین

مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلْبَةِ، بِأَيَاتِ عَزِيزَةٍ،

مصر با بزرگواری با شکوه و غالب و نشانه‌های باشکوه

وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ، وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ وَبِشَأْنِ الْكَلِمَةِ

و سلطه قوی و قدرت عظیم واقع شد و (از تو می‌خواهم) به حق مقام کلمه

التَّامَّةِ، وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى أَهْلِ

کامل و کلماتت که به واسطه آن بر اهل

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

آسمان و زمین و دنیا و آخرت

وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ،

احسان نمودی و به حق بخششت که به واسطه آن بر تمامی مخلوقات منت نهادی

وَبِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَيَّ الْعَالَمِينَ،

و به حق قدرتت که به واسطه آن جهان را بر پا داشتی،

وَبِنُورِكَ الَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَرْعِهِ طُورُ سَيْنَاءَ،

و به حق نورت که از وحشت آن طور سینا فرو افتاد

وَبِعِلْمِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبْرِيَاءِكَ، وَ عِزَّتِكَ

و به حق دانش و عظمت و اقتدار و شکوه

وَجَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْأَرْضُ،

و بزرگیت که زمین توان تحمل آن را نداشت

وَأَنْخَفَضْتَ لَهَا السَّمَوَاتُ، وَأَنْزَجَرَّ لَهَا الْعُمُقُ

و آسمانها در برابرش فرود آمدند و عمیقترین قسمت‌های زمین

الْأَكْبَرُ، وَرَكَدَتْ لَهَا الْبِحَارُ وَالْأَنْهَارُ،

باز ایستاد، و دریاها و رودها را کد شدند،

وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ، وَسَكَنْتْ لَهَا الْأَرْضُ

و کوهها سر فرود آوردند، و زمین با پستی و بلندیهایش

بِمَنَّا كِبِهًا، وَاسْتَسَلَمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا،

آرام گرفت، و همهٔ خلایق مطیع گردیدند،

وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّيحُ فِي جَرَيَانِهَا، وَخَمَدَتْ

و بادها در جریان خود مضطرب شدند، و آتشها

لَهَا النَّيْرَانُ فِي أَوْطَانِهَا، وَيَسْلُطَانِكَ الَّذِي

در آتشکدهها خاموش گشتند، و به حق سلطنت

عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْغَلْبَةُ دَهْرَ الدُّهُورِ، وَحَمِدَتْ

و فرمانروایت که به واسطهٔ آن تا ابد پیروز و غالب شناخته شده‌ای

بِهِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ، وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةً

و به واسطهٔ آن در آسمانها و زمینها ستایش شده‌ای، و به حق کلمهٔ

الصِّدْقِ الَّتِي سَبَقَتْ لِأَبْنَاءِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

صدق و راستی که به رحمت بر پدر ما آدم - که بر او درود و سلام باد -

وَذَرِيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ، وَأَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي

و نسلش پیشی گرفت، و از تو می‌خواهم به حق آن کلمات که

غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ

بر هر چیز چیره گشت و به حق نور ذات

بِهِ لِلْجَبَلِ، فَجَعَلْتُهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا،

که به واسطه آن بر کوه جلوه کردی و آن را متلاشی ساختی و موسی بیهوش افتاد.

وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ،

و به حق بزرگواریت که بر طور سینا آشکار شد،

فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ

و به واسطه آن با بنده و فرستاده‌ات موسی بن

عِمْرَانَ، وَبِطَلْعَتِكَ فِي سَاعِيرٍ، وَظُهُورِكَ فِي

عمران سخن گفتی، و به آشکار شدن در ساعیر [= محلّ عبادت عیسی]

جَبَلِ فَارَانَ بِرَبَّوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ، وَجُنُودِ

و در کوه فاران [= محلّ عبادت رسول خدام در جایگاه رفیع فرشتگان مقدس و لشکریان

الْمَلَائِكَةِ الصُّافِينَ، وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ

صف کشیده آنها و در میان فروتنی فرشتگان

الْمُسَبِّحِينَ، وَبِرَّكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى

تسبیح کننده، و به حق بخشش و احسانت که برکت دادی

إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ

در آن بر ابراهیم خلیل - که بر او درود و سلام باد - در میان امت محمد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَبَارَكْتَ لِاسْحَاقَ

- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - و برکت دادی برای برگزیدگان اسحاق

صَفِيكَ فِي أُمَّةٍ عَيْسَىٰ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،

در میان امت عیسی - که بر هر دوی آنها درود و سلام باد -

وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلَ فِي أُمَّةٍ مُّوسَىٰ

و برکت دادی برای بنده برگزیده ات یعقوب در میان امت موسی

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَ بَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ

- که بر هر دوی آنها درود و سلام باد - و برکت دادی برای محبوبت محمد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عَثْرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ،

- که درود و سلام خدا بر او و خاندان پاکش باد - در خاندان و نسل و امتش،

اللَّهُمَّ وَكَمَا غَبْنَا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَأَمَّا

خدایا با این که ما در آن زمان نبودیم و این امور را مشاهده نکردیم، ولی از روی راستی و

بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَعَدْلًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

درستی به آن ایمان آوردیم (و از تو می‌خواهیم) که درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

محمد و خاندان پاکش، و برکت دهی بر محمد

وَالِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و خاندان پاکش و رحمت فرستی بر محمد و خاندان پاکش

كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَيَّ

همانند بهترین درودها و برکات و رحمت‌هایت که بر

إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، فَعَلَّ

ابراهیم و خاندانش فرستادی که تو سزاوار ستایش و بزرگواری و هر چه

لِمَا تُرِيدُ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ شَهِيدٌ *

اراده کنی انجام دهی و تو بر هر کاری توانا و گواهی،

سپس حاجات خود را ذکر می‌کنی و می‌گویی: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذَا

***** خدایا به حق این

الدُّعَاءِ، وَبِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ

دعا و به حق این نام‌هایی که کسی جز تو

تَفْسِيرَهَا وَلَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا غَيْرُكَ، صَلِّ عَلَيَّ

تفسیر و باطن آن را نمی‌داند بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ،

محمد و خاندان پاکش درود فرست و آنچه را که تو شایسته‌ای

وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، وَاعْفِرْ لِي مِنْ

در حق من انجام ده نه آنچه را که من سزاوار آنم،

ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ، وَوَسَّعْ عَلَيَّ

و گناهان گذشته و آنچه از من سر خواهد زد، بر من ببخش،

مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ، وَاكْفِنِي مَوْنَةَ إِنْسَانٍ سَوْءٍ

و روزی حلال را بر من افزون کن و مرا از شر انسان بد

وَجَارٍ سَوْءٍ، وَقَرِينٍ سَوْءٍ وَسُلْطَانٍ سَوْءٍ، إِنَّكَ

و همسایه و همنشین و فرمانروای شرور حفظ کن، که

عَلَىٰ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ، وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ، آمِينَ

تو بر آنچه خواهی توانایی و بر هر چیز دانایی،

رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ای پروردگار جهانیان (دعایم را) اجابت کن.

دعای توسّل به چهارده معصوم علیهم السلام

مقصود از «توسّل» در این جا، وسیله قرار دادن انسانهای شایسته و صالح، در پیشگاه خدا و طلب چیزی از خدا به خاطر آنان است که مورد سفارش قرآن و روایات اسلامی قرار گرفته است (بخشنده نعمتها خداست و آن بزرگواران در پیشگاه او شفاعت می‌کنند). قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پرهیزکاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید.^۱ البته وسیله تقرب به خدا، امور گوناگونی است - همان گونه که در روایات تصریح شده است - که از جمله آنها، شفاعت پیامبران و امامان و بندگان صالح نزد خداوند می‌باشد. قرآن کریم به طور روشن به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گوید: «اگر گنه کاران به محضرت آیند و از خدا طلب آمرزش نمایند و تو نیز برای آنها طلب عفو کنی، مشمول رحمت و عفو خدا خواهند شد».^۲ در روایات فراوانی از طریق شیعه و سنی، مسأله توسّل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام مطرح شده و مورد سفارش قرار گرفته است و آنها که منکر توسّل هستند به خاطر کمی اطلاعات و یا

۱. سوره مائده، آیه ۳۵.

۲. سوره نساء، آیه ۶۴.

بی‌اطلاعی آنها از آیات قرآن و روایات اسلامی است.^۱ مرحوم «علامه مجلسی» فرموده است که در برخی از کتابهای معتبر آمده است که جناب «شیخ صدوق» این دعای توسل را از ائمه علیهم‌السلام روایت کرده و گفته است: «این دعا را برای هر حاجتی که خواندم به زودی به اجابت رسید».^۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ

خدایا از تو می‌خواهم و به تو رو می‌کنم به واسطه پیامبرت، پیامبر

الرَّحْمَةِ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا

رحمت، حضرت محمد - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد، ای

أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ، يَا

ابوالقاسم، ای فرستاده خدا، ای پیشوای رحمت، ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا

آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده‌ایم

۱. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، به تفسیر نمونه، جلد ۴، صفحه ۳۶۳ به بعد (ذیل آیه ۳۵ سوره مائده) و جلد ۱۲ صفحه ۱۶۶ و دیگر کتب مراجعه شود.
۲. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۴۷.

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ

و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی خواسته‌هایمان (واسطه) قرار

حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ،

داده‌ایم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد او شفاعت کن،

يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا عَلِيَّ بْنَ

ای ابالحسن ای امیرمؤمنان، ای علی بن

اَبِي طَالِبٍ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا

ای‌طالب، ای حجّت خدا بر مخلوقاتش، ای آقا

وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

و مولای ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده‌ایم و به وسیله تو، به درگاه

إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا

خدا متوسّل شده‌ایم و تو را پیش روی خواسته‌هایمان (واسطه) قرار داده‌ایم، ای

وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا فَاطِمَةَ

آبرومند نزد خدا، برای ما نزد او شفاعت کن، ای فاطمه

الزَّهْرَاءُ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، يَا

زهرا، ای دختر محمد(ص)، ای روشنی چشم رسول خدا، ای

سَيِّدَتْنَا وَمَوْلَاتِنَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا

بانو و سرور ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده‌ایم

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ

و به وسیله تو به درگاه خدا متوسل شده و تو را پیش روی خواسته‌هایمان (واسطه) قرار

حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ،

داده‌ایم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد او شفاعت کن،

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْمُجْتَبِيُّ

ای ابا محمد، ای حسن بن علی، ای برگزیده،

يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا

ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا بر مخلوقاتش، ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا

آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده‌ایم

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ

و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسل شده‌ایم و تو را پیش روی خواسته‌هایمان (واسطه) قرار

حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعِ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ،

داده‌ایم، ای آبرومند نزد خدا برای ما نزد او شفاعت کن،

يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا

ای اباعبدالله، ای حسین بن علی، ای شهید، ای

بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا

فرزند رسول خدا، ای حجّت خدا بر مخلوقاتش، ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا

آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده‌ایم

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ

و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی خواسته‌هایمان (واسطه) قرار

حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ،

داده‌ایم، ای آبرومند نزد خدا برای ما نزد او شفاعت کن،

يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، يَا زَيْنَ

ای ابوالحسن، ای علی بن حسین، ای زینت

الْعَابِدِينَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى

عبادت‌کنندگان، ای فرزند رسول خدا، ای حجّت خدا بر

خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

و تو را شفیع قرار داده‌ایم و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسل شده و تو را پیش روی

يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِسْفَعْ لَنَا

خواسته‌هایمان (واسطه) قرار داده‌ایم، ای آبرومند نزد خدا برای ما نزد او

عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، اَيُّهَا

شفاعت کن، ای اباجعفر، ای محمد بن علی، ای

الْبَاقِرُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ،

شکافنده علوم، ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا بر مخلوقاتش،

يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا

ای آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده‌ایم

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ

و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسل شده و تو را پیش روی خواسته‌هایمان (واسطه) قرار

حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ،

داده‌ایم، ای آبرومند نزد خدا برای ما نزد او

يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، اَيُّهَا

شفاعت کن، ای اباعبدالله، ای جعفر بن محمد، ای

الصَّادِقُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ

راستگو، ای فرزند رسول خدا، ای حجّت خدا بر

خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ

و تو را شفیع قرار داده‌ایم و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی

بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا

خواسته‌هایمان (واسطه) قرار داده‌ایم، ای آبرومند نزد خدا برای ما

عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ،

نزد او شفاعت کن، ای ابالحسن، ای موسی بن جعفر،

أَيُّهَا الْكَاطِمُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ

ای فروبرنده خشم، ای فرزند رسول خدا، ای حجّت خدا

خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

بر مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ

و تو را شفیع قرار داده‌ایم و به وسیله تو به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی

بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِسْفَعْ لَنَا

خواستگاره‌هایمان (واسطه) قرار داده‌ایم، ای آبرومند نزد خدا برای

عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، اَيُّهَا

ما نزد او شفاعت کن، ای ابالحسن، ای علی بن موسی، ای

الرِّضَا يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ

خشنود به رضای حق، ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا بر

خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا

مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ

و تو را شفیع قرار داده‌ایم و به وسیله تو به درگاه خدا متوسل شده و تو را پیش روی

بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِسْفَعْ لَنَا

خواستگاره‌هایمان (واسطه) قرار داده‌ایم، ای آبرومند نزد خدا برای ما

عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، اَيُّهَا

نزد او شفاعت کن، ای اباجعفر، ای محمد بن علی، ای

التَّقِيِّ الْجَوَادُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ

پرهیزکار بخشنده، ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا

عَلَىٰ خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

بر مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده‌ایم

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ

و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی خواسته‌هایمان (واسطه) قرار

بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا

داده‌ایم، ای آبرومند نزد او برای ما نزد خدا شفاعت کن،

عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَيُّهَا

ای ابالحسن، ای علی بن محمد، ای

الْهَادِي النَّقِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ

هدایت کننده پاک، ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا

عَلَىٰ خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

بر مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده‌ایم و به وسیله تو،

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

به درگاه خدا متوسّل شده و تو را پیش روی خواسته‌هایمان (واسطه)

يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا

قرار داده‌ایم، ای آبرومند نزد خدا برای ما نزد او شفاعت کن،

عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا

ای ابا محمد، ای حسن بن علی، ای

الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ

پاک و پاکیزه، امام عسکری، ای فرزند رسول خدا، ای حجت

اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

خدا بر مخلوقاتش، ای آقا و مولای ما، ما به تو رو نموده

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

و تو را شفیع قرار داده‌ایم و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسل شده و تو را پیش روی

يَدِي حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا

خواسته‌هایمان (واسطه) قرار داده‌ایم، ای آبرومند نزد خدا برای ما نزد او

عِنْدَ اللَّهِ، يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفَ الْحُجَّةَ،

شفاعت کن، ای جانشین حسن، جانشین (امام) و حجت (بر مردم)

أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ، يَا بْنَ

ای قیام کننده انتظار کشیده شده هدایت یافته، ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا

رسول خدا، ای حجت خدا بر مخلوقاتش، ای آقا

وَمَوْلِينَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

و مولای ما، ما به تو رو نموده و تو را شفیع قرار داده‌ایم و به وسیله تو، به درگاه خدا متوسّل شده

اِلَى اللّٰهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا

و تو را پیش روی خواسته‌هایمان (واسطه) قرار داده‌ایم، ای

وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ * سپس حاجت

آبرومند نزد خدا برای ما نزد او شفاعت کن. * * * * *

خود را بخواهد که ان شاء الله تعالی برآورده می‌شود.

در روایت دیگری^۱ آمده است که بعد از این بگوید:

يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ، اِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ اَيْمَتِي

ای سروران و پیشوایان من، به وسیله شما پیشوایانم

وَعَدْتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَحَاجَتِي اِلَى اللّٰهِ،

و توشه و ذخیره برای روز فقر و نیازم به خدا رو نموده‌ام

وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ اِلَى اللّٰهِ، وَاسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ

و به واسطه شما به خدا متوسّل شده و شما را نزد او شفیع قرار داده‌ام

۱. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۳۴۹، حدیث ۹.

إِلَى اللَّهِ، فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ، وَاسْتَتِقِدُونِي مِنْ

پس شفیع من نزد خدا باشید، و مرا از (شر) گناهانم

ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ، فَإِنَّكُمْ وَسِطَتِي إِلَى اللَّهِ،

در نزد خدا نجات دهید، به یقین شما وسیله (ارتباط) من با خدا هستید،

وَبِحَبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ أَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ، فَكُونُوا

و با محبت و دوستی شما از خدا امید نجات دارم، پس شما ای

عِنْدَ اللَّهِ رَجَائِي، يَا سَادَتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ،

سرورانم و ای اولیای خداوند مایه امیدم در نزد خدا باشید،

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَلَعَنَّ اللَّهُ أَعْدَاءَ

درد خدا بر همه آنان باد و خداوند دشمنانش را که در حق آنها

اللَّهِ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

ظلم نموده‌اند از پیشینیان و پسینیان لعنت کند،

أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

زیارت جامعه کبیره

«شیخ صدوق» در کتاب «من لا یحضره الفقیه» از یکی از یاران حضرت هادی علیه السلام روایت کرده که گفت: خدمت آن حضرت علیه السلام عرض کردم: یابن رسول الله! زیارتی به من تعلیم فرما که از حیث بلاغت کامل باشد و با آن، هر کدام از شما را که خواستم زیارت کنم، فرمود: پس از غسل زیارت، هرگاه به درگاه حرم رسیدی بایست و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ

گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم

أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

محمد - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - بنده و فرستاده اوست.

و چون وارد حرم شدی و نگاهت به قبر افتاد، می‌ایستی و سی مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** می‌گویی. سپس اندکی با آرامش دل و آرامش تن و کوتاه گرفتن گام‌ها راه می‌روی، آنگاه می‌ایستی و بار دیگر سی مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** می‌گویی، سپس نزدیک قبر مطهر می‌روی و چهل مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** می‌گویی (تا صد مرتبه کامل شود) ^۱ آنگاه می‌گویی:

۱. چنان که مجلسی اول گفته: شاید علت گفتن صد مرتبه تکبیر این باشد که مبدا زائری - با توجه به عبارات بلند این زیارتنامه درباره ائمه علیهم السلام - دچار غلو شود و یا از عظمت خداوند متعال (و این که آنچه آنها دارند از جانب خدا و به اذن خداست) غافل گردد (روضه المتقین، جلد ۵، صفحه ۴۵۳).

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعَ

سلام بر شما ای خاندان نبوت، و جایگاه

الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ،

رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و نزول وحی

وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ، وَخُزَانَ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى

و معدن رحمت و خزانه داران دانش و نهایت

الْحِلْمِ، وَأُصُولَ الْكَرَمِ، وَقَادَةَ الْأُمَمِ، وَأَوْلِيَاءَ

بردباری و پایه های بخشش و رهبران امتها و صاحبان

النُّعْمِ، وَعُنَاصِرَ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ،

نعمتها، و سرچشمه های نیکی و تکیه گاه های نیکوکاران

وَسَاسَةَ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابَ

و تنظیم کننده امور بندگان، و رکن های شهرها، و درهای

الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ، وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ،

ایمان، و امانتداران خداوند رحمان، و نسل پیامبران

وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِثْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ

و برگزیده فرستاده شدگان، و خانواده برگزیده پروردگار

الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ

جهانیان، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد، سلام بر

أئِمَّةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ

امامان هدایتگر، و چراغ‌های تاریکی، و نشانه‌های

التَّقَى، وَذَوَى النَّهْيِ، وَأَوْلَى الْحِجَى، وَكَهْفِ

پرهیزکاری، و صاحبان خرد و عقل، و پناه

الْوَرَى، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى،

آفریدگان، و وارثان پیامبران، و صفت برتر

وَالدَّعْوَةِ الْحُسْنَى، وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَيَّ أَهْلِ

و (صاحب) دعوت نیکو، و حجج‌های خدا بر اهل

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَوْلَى، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

دنیا و آخرت و پیشینیان و رحمت و برکات

وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ،

خدا بر آنان باد، سلام بر جایگاه‌های شناخت خدا

وَمَسَاكِنِ بَرَكَاتِ اللَّهِ، وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ، وَحَفْظَةِ

و محل‌های برکت خدا، و معدن‌های حکمت خدا، و حافظان

سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةَ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ،

راز خدا، و حاملان کتاب خدا، و جانشینان پیامبر خدا

وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةً

و فرزندان رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - و رحمت

اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ،

و برکات خدا بر شما باد، سلام به دعوت‌کنندگان به سوی خدا

وَالْأَدْلَاءِ عَلَى مَرَضَاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقْرِبِينَ

و راهنمایان بر (اسباب) خشنودی خدا، و ثابت‌قدمان

فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ،

در فرمان خدا، و کاملان در محبت خدا

وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ

و خالصان در (اقرار به) یگانگی خدا، و آشکار کنندگان

لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا

امر و نهی خدا، و بندگان گرامیش که در

يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ، وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةً

گفتار بر او پیشی نگیرند و به فرمانش عمل کنند، و رحمت

اللَّهُ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَيِّمَةِ الدُّعَاةِ،

و بركات خدا بر آنان باد، سلام بر امامان دعوت کننده

وَالْقَادَةَ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةَ الْوَلَاةِ، وَالذُّادَةَ

و رهبران هدایتگر، و سرور فرمانروایان، و دفاع کنندگان

الْحُمَاةِ، وَاهْلَ الذِّكْرِ، وَأَوْلَى الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةَ اللَّهِ،

حمایتگر، و اهل ذکر و سرپرستان (امت)، و ذخیره الهی

وَخَيْرَتِهِ وَحِزْبِهِ، وَعَيْبَةَ عِلْمِهِ، وَحُجَّتِهِ

و برگزیدگان و حزبش، و گنجینه دانشش و حجت

وَصِرَاطِهِ، وَنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ

و راهش، و نور و برهانش، و رحمت و بركات خدا

وَبَرَكَاتِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا

بر آنان باد، گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریکی

شَرِيكَ لَهُ، كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ

ندارد همان‌گونه که خدا بر خودش شهادت داده و

۱. در کتاب فقیه عبارت «و برهانه» نیامده است.

مَلَائِكَتُهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

فرشتگان و عالمان از مخلوقاتش نیز شهادت داده‌اند، معبودی جز او

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، وَأَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

گرامی و فرزانه نیست و گواهی می‌دهم که محمد بنده برگزیده

الْمُنْتَجَبُ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى

خدا و فرستاده پسندیده اوست که او را برای هدایت

وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

و بر دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب کند، اگرچه

الْمُشْرِكُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ

مشرکان نیستند، و گواهی می‌دهم که شما امامان هدایتگر

الْمُهْدِيُّونَ، الْمَعْصُومُونَ الْمَكْرَمُونَ،

هدایت یافته‌اید، امامان معصوم، گرامیان،

الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ، الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ،

مقربان (خدا)، پرهیزکاران، راستگویان، برگزیدگان،

الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ

اطاعت‌کنندگان خدا، بپادارندگان فرمانش، عمل‌کنندگان

بَارَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ، اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ،

به خواسته‌اش، که به مقام کرامت نائل شده‌اند، خداوند با آگاهی شما را برگزید

وَارْتَضَاكُمْ لِعَيْبِهِ، وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَبَيْكُمْ

و برای (حفظ) اسرارش پسندیده، و اختیار کرد، و با قدرتش

بِقُدْرَتِهِ، وَاعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ، وَخَصَّكُمْ بِبِرْهَانِهِ،

برگزید و با هدایتش عزت بخشید و دلایل خاص خود را در اختیار شما قرار داد

وَأَنْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَآيَدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ

و برای نورش برگزید، و با روحش تأییدتان نمود و شما را پسندید

خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَجًا عَلَىٰ بَرِيَّتِهِ،

برای جانشینش در زمین و حجت‌ها بر مخلوقاتش

وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ،

و یاوران دینش و حافظان اسرارش، و گنجینه‌های علمش

و مُسْتَوْدَعًا لِحُكْمَتِهِ، وَتَرَاجِمَةً لِبُحْوِيهِ،

و مخزن حکمتش و تفسیرکنندگان وحیش

وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهَدَاءَ عَلَىٰ خَلْقِهِ،

و پایه‌های یگانگیش و گواهان بر مخلوقاتش

وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ، وَ مَنَارًا فِي بِلَادِهِ،

نشانه‌های (هدایت) بندگانش، و برج‌های نور در شهرهایش

وَ أَدِلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ، عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ،

و راهنمایان راهش (پسندید)، خداوند شما را از لغزش‌ها محفوظ داشت

وَ آمَنَكُم مِّنَ الْفِتَنِ، وَ طَهَّرَكُم مِّنَ الدَّنَسِ،

و از فتنه‌ها ایمن گردانید و از آلودگی پاک کرد، و

وَ أَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ، وَ طَهَّرَكُم تَطْهِيرًا،

از پلیدی بیرون برد، و شما را به طور کامل پاک نمود

فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ، وَ أَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَ مَجَّدْتُمْ

پس شما شکوهش را بزرگ شمرده و مقامش را گرامی داشتید و بزرگواریش

كِرْمَهُ، وَ أَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ،^۲ وَ وَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ،

را ستوده و یادش را ادامه دادید و عهدش را استوار ساختید

وَ أَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ، وَ نَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ

و پیمان بندگی‌اش را محکم کردید، و در پنهان و آشکار برای او

۱. فقیه: «أذهب عنكم الرجس أهل البيت». ۲. فقیه: «ادمتتم ذكره».

وَ الْعَلَانِيَةِ، وَ دَعَوْتُمْ إِلَىٰ سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ

خیرخواهی نمودید، و با دانش و پند نیکو (مردم را) به راهش

وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَ بَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي

دعوت نمودید، و در راه رسیدن به رضایتش

مَرْضَاتِهِ، وَ صَبَرْتُمْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ،

جانفشانی کردید و بر آنچه در راهش به شما رسید صبر نمودید

وَ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتُمُ

و نماز را بپا داشته و زکات دادید و امر به معروف

بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتُمُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ جَاهَدْتُمُ فِي

و نهی از منکر کردید، و در راه خدا به شایستگی

اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّىٰ أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، وَ بَيَّنَّتُمُ

جهاد نمودید، تا در نهایت دعوتش را آشکار نموده و فرامینش را

فَرَائِضَهُ، وَ أَقَمْتُمُ حُدُودَهُ، وَ نَشَرْتُمُ شَرَائِعَ

بیان کردید و حدودش را بپا داشته، و قوانین اسلام را

أَحْكَامِهِ، وَ سَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَ صِرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ

منتشر ساختید، و سنتش را احیا نمودید، و در این راه رضایتش را

إِلَى الرِّضَا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ، وَصَدَّقْتُمْ مِنْ

بدست آوردید و تسلیم حکمش شده و پیامبران گذشته را

رُسُلِهِ مَنْ مَضَى، فَالرَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ،

تصدیق نمودید، روی‌گردان از شما خارج از دین

وَاللَّازِمُ لَكُمْ لِاحِقٌ، وَ الْمَقْصَرُّ فِي حَقِّكُمْ

و پیرو شما داخل در دین و کوتاهی کننده در حق شما

زَاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ

نابود شدنی است، و حق (همیشه) با شما و در میان شما و از جانب شما

وَالْيَكُمُ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ، وَ مِيرَاثُ النَّبَوَّةِ

و به سوی شماست، و شما اهل حق و معدن آن هستید و میراث نبوت

عِنْدَكُمْ، وَ إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَ حِسَابُهُمْ

نزد شما و بازگشت مخلوقات (به مشیت خدا) به سوی شما و حساب آنها (به فرمان او) بر شماست

عَلَيْكُمْ، وَ فَضْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ، وَ آيَاتُ اللَّهِ

و سخن آخر با شماست و نشانه‌های خدا

لَدَيْكُمْ، وَ عَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَ نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ

نزد شما، و اراده حتمی خدا در میان شماست، و نور و دلیلش

عِنْدَكُمْ، وَ أَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ

در نزد شماست و حکمش را به شما سپرده است، دوستدار شما

وَالَى اللَّهِ، وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهَ، وَ مَنْ

دوستدار خدا و دشمن شما دشمن خداست، و هر کس که

أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ

شما را دوست بدارد خدا را دوست داشته، و هر کس که با شما دشمنی کند

أَبْغَضَ اللَّهَ، وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ

با خدا دشمنی کرده، و هر کس که به شما متوسل شود به خدا متوسل شده است،

بِاللَّهِ، أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ،

شما یبید راه راست پایدار، و گواهان دنیای فانی

وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ،

و شفیعیان آخرت، و رحمت پیوسته (خدا)

وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ، وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ،

و نشانه پنهان (الهی) و امانت حفظ شده (خداوند)

وَالْبَابُ الْمُبْتَلَىٰ بِهِ النَّاسُ، مَنْ آتَيْكُمْ نَجَىٰ،

و درگاه آزمایش مردم، هر که به سوی شما آید نجات یابد

وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكٌ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ

و هر کس که نیاید هلاک شود، (مردم را) به سوی خدا دعوت کرده،

تَدُلُّونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ

و راهنمایی می‌کنید، به او ایمان آورده و تسلیم اوید، به فرمانش

تَعْمَلُونَ، وَالْإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ

عمل کرده و به راهش ارشاد نموده و به گفتارش

تَحْكُمُونَ، سَعِدَ مَنْ وَالَ الْأَكْمَ، وَ هَلَكَ مَنْ

حکم می‌کنید، دوستداران سعادت‌مند شد و دشمنان به هلاکت

عَادَاكُمْ، وَ خَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ، وَ ضَلَّ مَنْ

رسید، و منکران زیانکار شد، و جدا شونده از شما گمراه

فَارَقَكُمْ، وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَ آمَنَ مَنْ

گردد، و متمسک به شما دست‌گزار شد و پناهنده به شما

لَجَا إِلَيْكُمْ، وَ سَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَ هَدَى مَنْ

ایمن گردید، و تصدیق‌کننده شما سالم ماند، و متوسل شونده به

اعْتَصَمَ بِكُمْ، مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَاوِيَهُ، وَ مَنْ

شما هدایت یافت، هر که از شما پیروی کند بهشت جایگاه اوست و هر که

خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوِيَهُ، وَ مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ،

با شما مخالفت کند دوزخ جایگاه اوست، و هر که شما را انکار کند، کافر

وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي

و هر که با شما به جنگ برخیزد، مشرک است و هر کس شما را رد کند در

أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ

پایین‌ترین درجه دوزخ است، گواهی می‌دهم که این اوصاف

لَكُمْ فِيمَا مَضَى، وَ جَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ، وَ أَنَّ

در گذشته برای شما بوده و در آینده نیز خواهد بود، و به یقین

أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَيِّبَتَكُمْ وَاحِدَةٌ،

جانها و نور و سرشت شما یکی است

طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمْ اللَّهُ

پاک و پاکیزگی بعضی از شما از بعضی دیگر است، خداوند شما را به صورت

أَنْوَارًا، فَجَعَلَكُمْ بَعْرَشِهِ مُحَدِّقِينَ، حَتَّىٰ مَنْ

نورهایی آفرید و شما را احاطه کننده عرشش قرار داد تا اینکه با خلقت شما

عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ

بر ما منت گذاشت، و شما را در خانه‌هایی که خداوند اذن فرموده

تُرْفَعُ وَيُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا

دیوارهای آن را بالا برند و نام خدا در آنها برده شود قرار داد، و درودهای ما را بر شما

عَلَيْكُمْ، وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَايَاتِكُمْ طَيِّبًا

قرار داد، و آنچه از ولایت شما به ما اختصاص داد برای پاکی

لِخُلُقِنَا، وَطَهَارَةٍ لِّأَنْفُسِنَا، وَتَزَكِيَةٍ لِّنَا، وَكَفَّارَةٍ

خلقت و پاکیزگی جانهای ما و تزکیه و کفاره گناهان ما

لِذُنُوبِنَا، فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِينَ بِفَضْلِكَ،

بود، پس ما در پیشگاه او فضل و برتری شما را پذیرفتیم

وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ

و به واسطه تصدیقتان شناخته شدیم، پس خدا شما را

أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَ أَعْلَى مَنَازِلِ

به شریف‌ترین جایگاه گرامیان، و برترین منزل

الْمُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ،

مقربان و بالاترین رتبه فرستاده‌شدگان رسانید

حَيْثُ لَا يُلْحَقُهُ أَحَقُّ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا

جایگاهی که دست کسی به آن نرسد و کسی بر آن برتری نجوید و

يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ،

کسی از آن فراتر نرود، وطمع‌کننده‌ای طمع درک آن نکند

حَتَّى لَا يَبْتَقِيَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ،

تا این که باقی نماند فرشته مقرب و نه پیامبر فرستاده شده‌ای

وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ،

و نه صدیق و نه شهیدی و نه عالم و نه جاهلی

وَلَادِنِيٍّ وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ، وَلَا

و نه فرومایه و نه صاحب فضلی، و نه مؤمن صالح و نه

فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ، وَلَا شَيْطَانٌ

بدکار ناشایستی، و نه زورگوی لجباز و نه شیطان

مَرِيدٌ، وَلَا خَلَقَ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ، إِلَّا

رانده شده‌ای و نه مخلوقاتی که در این میان حاضرند، جز این که خدا

عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ، وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ،

شناساند به آنها شکوه منزلت و عظمت موقعیت

وَكِبْرَ شَأْنِكُمْ، وَتَمَامَ نُورِكُمْ، وَصِدْقَ

و بزرگی مقام و کمال نور و درستی

مَقَاعِدِكُمْ، وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ

جایگاه و استواری مقام و شرافت جایگاه

وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ، وَخَاصَّتَكُمْ

و منزلت شما را در نزدش و گرامی بودنن را در پیشگاه او و جایگاه ویژه شما را

لَدَيْهِ، وَ قُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي

در نزد او و نزدیکی منزلت شما را نزد خویش (به آنها شناساند)، پدر و مادر

وَأَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ،

و همسر و دارایی و فرزندان فدای شما باد، خداوند و شما را گواه می‌گیرم

أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ

که ایمان دارم به شما و آنچه که به آن ایمان دارید، دشمنان و آنچه را شما انکار دارید

وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَانِكُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ

انکار می‌کنم، به شأن و مقام شما و گمراهی مخالفانتان

خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ، مُبْغِضٌ

آگاهم، دوستدار شما و دوستانتان هستم، بغض و کینه دشمنانتان را در دل

لِأَعْدَائِكُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ، سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكُمْ،

دارم و با آنان دشمنم، با آن کس که با شما از در صلح درآید صلح می‌کنم

وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقَّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ،

و با آن کس که با شما از در جنگ درآید در جنگم، حق می‌دانم آنچه را شما حق می‌دانید،

مُبْطَلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَكُمْ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ،

و باطل می‌دانم آنچه را شما باطل می‌دانید، فرمانبردار شما و آشنا به حق شما می‌باشم

مُقَرَّبٌ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ

معترف به فضل شما و حامل علم شما می‌باشم، در پناه ضمانت شما

بِذَمِّكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بَأَيَابِكُمْ،

و اعتراف کننده به حق شما می‌باشم، به بازگشتن ایمان دارم

مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ

و رجعتان را تصدیق می‌کنم، در انتظار فرمان شما و چشم به راه

لِدَوْلَتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ،

حکومت شما می‌باشم، گفتار شما را پذیرفته و عمل کننده به فرمان شما می‌باشم

مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ، لَائِدٌ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ،

پناهنده به شما و زیارت کننده شما می‌باشم، پناهنده به قبرهای شما می‌باشم

مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ، وَ مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ

شما را به درگاه خدا شفیع گرفته و به او تقرب می‌جویم

إِلَيْهِ، وَ مَقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي، وَ حَوَائِجِي

و شما را پیشاپیش خواسته‌ها و نیازها

وَأَرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي، مُؤْمِنٌ

و آرزویم در هر حال و در هر کار قرار می‌دهم

بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ،

به پنهان و آشکار شما و حاضر و غائب شما

وَ أَوْلَاكُمْ وَ آخِرِكُمْ، وَ مَفُوضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ

و اولین و آخرینان ایمان دارم و همه آنها را به شما واگذار می‌کنم

إِلَيْكُمْ، وَ مُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ، وَ قَلْبِي لَكُمْ

و تسلیم شمایم، و دلم تسلیم شما

مُسَلِّمٌ^۱، وَ رَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ، وَ نُصْرَتِي لَكُمْ

و رأیم تابع شماست، و برای یاری‌تان آماده‌ام

مُعَدَّةٌ، حَتَّىٰ يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَىٰ دِينَهُ بِكُمْ،

تا این‌که خدا دینش را به واسطه شما احیا کند

۱. فقیه: «و قلبی لکم سلم».

وَيَرُدُّكُمْ فِي أَيَّامِهِ، وَيُظْهِرُكُمْ لِعَدْلِهِ،

و در آن روزگار شما را بازگرداند و به خاطر عدالتش شما را ظاهر کند

وَيُمْكِّنُكُمْ فِي أَرْضِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامِعَ

و در زمینش متمکن سازد، پس با شما با شما نه با

غَيْرِكُمْ^۱، أَمَنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا

غیر شما، به شما ایمان دارم، و دوست دارم آخرین شما را همان گونه که

تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ، وَبَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ

اولین شما را دوست دارم، و بیزاری می جویم به درگاه خداوند

عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَ مِنْ الْجِبْتِ

عزیز و ارجمند، از دشمنانتان و از طاغوت

وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَ حَزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ

و قدرت های سرکش و شیاطین و گروه های آنها که بر شما ستم روا داشتند

لَكُمْ، وَ الْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ، وَ الْمَارِقِينَ مِنْ

و حقتان را انکار کردند، و از ولایت و سرپرستی شما

۱. فقیه: «لا مع عدوکم».

وَلَايَتِكُمْ، وَالْغَاصِبِينَ لَا رِثَكُمْ، وَالشَّاكِينَ

بیرون رفتند و ارثتان را غصب نمودند و در مورد شما شک

فیکم، وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِّ وَلِيَّةٍ

نموده و از راهتان منحرف شدند، (و بیزاری می‌جویم) از هر همدمی

دُونَكُمْ، وَكُلِّ مَطَاعٍ سِوَاكُمْ، وَمِنَ الْأَيْمَةِ

غیر از شما، و از هر اطاعت‌شده‌ای جز شما و از پیشوایانی

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، فَجَبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا

که به آتش دوزخ دعوت می‌کنند، پس خداوند پیوسته مادامی که زنده‌ام

حَيِّتُ عَلَىٰ مُوَالَاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ،

مرا بر دوستی و محبت و دین شما ثابت قدم بدارد

وَوَفَّقَنِي لِطَاعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِي شَفَاعَتِكُمْ،

و بر اطاعت از شما موفقم کند، و شفاعت شما را روزیم گرداند

وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مُوَالِيكُمْ، التَّابِعِينَ لِمَا

و از بهترین دوستانتان که از دعوت شما

دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ آثَارَكُمْ،

پیروی می‌کنند قرارم دهد، و مرا از کسانی قرار دهید که آثار شما را نقل می‌کند

وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي بِهُدَايِكُمْ، وَيُحْشِرُ

و از شما پیروی می‌کند، و به هدایتتان راهنمایی می‌شود، و با شما

فِي زُمْرَتِكُمْ، وَيُكْرِفِي رَجْعَتِكُمْ، وَيَمْلِكُ

محصور می‌شود و در زمان رجعتتان باز می‌گردد، و در دولت

فِي دَوْلَتِكُمْ، وَيُشَرِّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَيُمْكِنُ

شما به حکومت می‌رسد، و در عافیت شما عزیز می‌شود، و در زمان (حکومت) شما

فِي أَيَّامِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيَاكُمْ، بِأَبِي

قدرتمند می‌گردد، و چشمانش در آینده به دیدارتان روشن می‌شود، پدر

أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي، مَنْ أَرَادَ

و مادر و خود و خانواده و داراییم فدای شما باد، هر کس قصد (رسیدن به) خدا کند

اللَّهِ بَدَأَ بِكُمْ، وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنكُمْ، وَ مَنْ

با شما آغاز می‌کند، و هر کس او را به یگانگی یاد کند از شما بپذیرد، و هر کس

قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِيَ الْأُحْصَى ثَنَائِكُمْ،

خدا را قصد کند به شما رو کند، ای سروان من، مدح و ثنایتان را نمی‌توانم بر شمارم

وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، وَمِنْ الْوَصْفِ

و نمی‌توانم با ستایش به کنه شما و با توصیف به قدر و منزلتتان

قَدَرَكُمُ، وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَ هُدَاةُ الْأَبْرَارِ،

برسم، و شما یید نور نیکان، و راهنمای خوبان

وَ حَجَجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتَمُ،

و حجت‌های خدای قادر، خداوند (خلقت را) با شما آغاز کرد و به شما ختم می‌کند

وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَ بِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءَ أَنْ

و به واسطه شما باران می‌فرستد و بواسطه شما آسمان را از افتادن بی‌اجازه

تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ بِكُمْ يُنْفَسُ اللَّهُ،

بر زمین نکه می‌دارد، و به واسطه شما اندوه را بزاید

وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ، وَ عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ،

و سختی را برطرف سازد، و نزد شماست آنچه که رسولان خدا

وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ، وَ إِلَى جَدِّكُمْ

و فرشتگانش آورده‌اند و بر جد شما

(در صورتی که مخاطب در این زیارت، امیرمؤمنان علیه السلام باشد به

جای «وَالِیْ جَدِّكُمْ» «وَالِیْ أَخِيكَ» می‌گویی)

بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ آتَاكُمْ اللَّهُ

جبرئیل روح‌الامین مبعوث گردید، آنچه خداوند

مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطَاً

به شما داده به هیچ یک از جهانیان نداده است

كُلُّ شَرِيفٍ لَشَرَفِكُمْ، وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ

هر شریفی در برابر شرافت شما سر فرود آورده و هر متکبری برای اطاعت از شما

لِطَاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ

گردن نهاده، و هر سرکشی در برابر فضلان فروتن گردیده، و همه

كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ،

چیز برای شما خوار گشته، و زمین به نورتان روشن شده

وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى

و رستگاران در سایه ولایت شما رستگار شده‌اند، به وسیله شما راه بهشت پیموده

الرِّضْوَانِ، وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَوَلَايَتِكُمْ غَضَبُ

می‌شود و بر منکران ولایت شماست خشم و غضب

الرَّحْمَنِ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي

خداوند، پدر و مادر و خود و خانواده و

وَمَالِي، ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ، وَأَسْمَاءُكُمْ فِي

دارایم فدای شما باد. یاد شما در (دل) ذاکران است و نام‌هایتان در میان

الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ،

نام‌ها و جسم‌هایتان در میان جسم‌ها

وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي

و روح‌هایتان در میان روح‌ها و نفس‌هایتان در میان

النُّفُوسِ، وَأَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي

نفس‌ها و آثارتان در میان آثار و قبرهایتان در میان

الْقُبُورِ، فَمَا أَحَلَّى أَسْمَائِكُمْ، وَأَكْرَمَ أَنْفُسِكُمْ،

قبرهاست، ولی (با این حال) چه شیرین است نام‌هایتان و چه گرامی است نفس‌هایتان

وَأَعْظَمَ شَأْنِكُمْ، وَأَجَلَّ خَطَرَكُمْ، وَأَوْفَى

و چه با عظمت است شأن و مقامتان و چه باشکوه است موقعیتتان و چه با وفاست

عَهْدِكُمْ، وَأَصْدَقَ وَعْدِكُمْ، كَلَامُكُمْ نُورٌ،

عهد و پیمانتان و چه صادق است وعده‌تان، سخنانتان نور

وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى، وَفِعْلُكُمْ

و فرمانتان هدایت و وصیتتان تقوا و پرهیزکاری و کارتان

۱. «و اصدق وعدهكم» در فقیه نیامده است.

الْخَيْرِ، وَعَادَتِكُمُ الْإِحْسَانَ، وَسَجِيَّتِكُمُ

خیر و نیکی، و عادتتان احسان و نیکوکاری، و خلق و خویتان

الْكَرَمُ، وَشَانِكُمُ الْحَقُّ وَالصَّدَقُ وَالرَّفْقُ،

بخشش و شأنان حق و راستی و مدارا

وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ

و گفتارتان فرمان و لازم‌الاجرا و رأیتان علم و بردباری و

وَحَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ، وَأَصْلُهُ

دور اندیشیست، اگر یادی از خیر و نیکی شود، آغاز، اصل

وَفَرَعُهُ، وَمَعْدِنُهُ وَمَاوِيَهُ وَمَمْتَنَاهُ، بِأَبِي أَنْتُمْ

فرع، معدن، جایگاه و نهایت آن شماست، پدر

وَأُمِّي وَنَفْسِي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ،

و مادر و خودم فدای شما، چگونه نیکی ستایش شما را توصیف کنم

وَأُحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ، وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنْ

و زیبایی نعمت‌هایتان را برشمارم، به وسیله شما خداوند ما را از ذلت و خواری خارج

الذُّلِّ، وَفَرَّجَ عَلَيْنَا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا

کرد، و اندوه‌های فراگیر ما را برطرف کرد، و از لَبَّةٔ پرتگاه‌های

مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ، بِأَبِي أَنْتُمْ

نابودی و آتش دوزخ رهانید، پدر

وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ

و مادر و خودم فدای شما، به خاطر پیروی از شما خداوند آموزه‌های دینمان را به ما

دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا،

آموخت، و آنچه از امور دنیای ما فاسد شده بود اصلاح نمود

وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النُّعْمَةُ،

و با دوستی شما دین خدا کامل و نعمت (او) برجسته و عظیم شد

وَأَتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ

و جدایی و تفرقه به الفت تبدیل شد و به خاطر پیروی از شما عبادت‌های واجب پذیرفته

الْمُفْتَرَضَةُ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالذَّرَجَاتُ

شده و از آن شماسست محبت واجب (از جانب مردم) و رتبه‌های

الرَّفِيعَةَ، وَالْمَقَامَ الْمَحْمُودَ، وَالْمَكَانَ

بلند و مقام ستوده و جایگاه

۱. در فقیه به جای والمكان المعلوم، «والمقام المعلوم...» آمده است.

الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ،

شناخته شده در نزد خدای با عزت و باشکوه، و مقام با عظمت

وَالشَّانُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، رَبَّنَا آمَنَّا

و منزلت بزرگ و شفاعت پذیرفته شده (همه از آن شماست) پروردگارا، ما

بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ، فَاكْتَبْنَا مَعَ

به آنچه نازل فرمودی ایمان آورده و از فرستاده‌ات پیروی نمودیم، پس (نام) ما را همراه

الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا،

گواهان ثبت فرما، پروردگارا دل‌هایمان را بعد از آنکه ما را هدایت کردی (از راه حق) منحرف

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ

مگردان و از سوی خود رحمتی بر ما ببخش زیرا تویی

الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا

بخشنده، منزّه است پروردگارا ما که وعده‌اش به یقین

لَمَفْعُولًا، يَا وَلِيَّ اللَّهِ (و اگر همه امامان را قصد کرده باشد

انجام شدنی است، ای ولی خدا * * * * *

می‌گوید: «یا اولیاء الله») إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

* * * «ای اولیای خدا»، به یقین میان من و خداوند با عزت و باشکوه

ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ

گناهانی است که جز رضایت شما آنها را محو نکند، پس به حق کسی که

اِتَّمَنَّاكُمْ عَلَى سِرِّهِ، وَاسْتَرَعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ،

شما را امین رازش قرار داد و امور مخلوقات را به شما واگذار نمود

وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ

و اطاعت شما را به اطاعت خویش قرین ساخت، مصرانه تقاضا دارم برای گناهانم طلب بخشش کنید

ذُنُوبِي، وَ كُنْتُمْ شُفَعَائِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ

و شفیعیان من (در پیشگاه خدا) باشید، زیرا من مطیع شما هستم، هر کس

أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ

شما را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است، و هر کس شما را نافرمانی کند

عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ

خدا را نافرمانی کرده است، و هر کس شما را دوست دارد خدا را دوست داشته است، و هر کس

أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، اَللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ

با شما دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است، خدایا اگر من

وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ

شفیعیانی را می‌یافتم که از محمد

وَ أَهْلَ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ، الْأَيْمَّةِ الْأَبْرَارِ، لَجَعَلْتَهُمْ

و خاندان برگزیده‌اش همان پیشوایان نیکوکار به درگاهت نزدیکتر بودند، آنها

شُفَعَائِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ،

شفیعان خود قرار می‌دادم، پس به حقی که از آنان بر خودت واجب فرمودی

أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ

از تو می‌خواهم که مرا در زمره عارفان به آنان و حقیقتشان

وَبِحَقِّهِمْ، وَفِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ،

و آموزیدگان به واسطه شفاعتشان داخل کنی

إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

زیرا که تو مهربان‌ترین مهربانانی، و خدا بر محمد و خاندان

وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا

پاکش درود فرستد و سلام فراوان خدا بر آنان باد و خداوند برای ما کافی

اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.^۱

و بهترین سرپرست است.

۱. فقیه، جلد ۲، صفحه ۶۰۹، حدیث ۳۲۱۳ و عیون الاخبار، جلد ۲، صفحه ۲۷۲، حدیث ۱ و بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۲۷ (با اندکی تفاوت).

یادآوری: «عَلَمَةُ مَجْلِسِي» پس از نقل و شرح این زیارت می‌گوید: اگر در شرح این زیارت کمی بسط کلام دادم - اگرچه برای رعایت اختصار هنوز هم حق آن را ادا ننمودم - به این جهت است که این زیارت از جهت سند، صحیح‌ترین، و از جهت موارد شمولش نسبت به ائمه علیهم‌السلام شامل‌ترین و عام‌ترین زیارات، و از جهت لفظ، روشن‌ترین و فصیح‌ترین، و از جهت معنا و محتوا بلیغ‌ترین، و از جهت شأن و مقام، عالی‌ترین زیارات است.^۱

«مجلسی اوّل» (پدر بزرگوار عَلَمَةُ مَجْلِسِي) نیز در شرح «من لا یحضره الفقیه» (یعنی در کتاب روضة المتّقین) می‌فرماید: این زیارت احسن و اکمل زیارات است و من تا زمانی که در عتبات عالیات بودم زیارت نکردم ائمه علیهم‌السلام را مگر به این زیارت.^۲

از حکایتی که مرحوم «حاجی نوری» (قدّس الله نفسه) در کتاب «نجم الثاقب» نقل می‌کند به دست می‌آید که باید بر این زیارت مواظبت و مداومت داشت و از آن غافل نبود.^۳

۲. روضة المتّقین، جلد ۵، صفحه ۴۵۲.

۱. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۴۴.

۳. نجم الثاقب، صفحه ۶۰۳.

زیارت امین الله

این زیارت را «عَلَّامَةُ مَجْلِسِي» از جهت سند، از صحیح‌ترین زیارات می‌داند^۱ و مرحوم حاج شیخ عباس قمی (در مفاتیح الجنان) آن را در نهایت اعتبار معرفی می‌کند.

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: پدرم علی بن الحسین علیه السلام بعد از شهادت پدرش (از فرط غصه و اندوه و) برای کراهتی که از حشر و نشر با مردم داشت چند سالی دور از مردم زندگی می‌کرد، و گاه به سوی عراق به قصد زیارت پدر و جدش حرکت می‌کرد و کسی از آن خبر نداشت، روزی به قصد زیارت امیرمؤمنان صلوات الله علیه حرکت کرد و من نیز، همراه او بودم و هیچ جنبنده و صاحب روحی غیر از دو ناقه، با ما نبود؛ وقتی به نجف - از بلاد کوفه - رسیدیم، دیدیم که در مکان خاصی توقّف کرد و گریست؛ به حدّی که محاسن شریفش با اشک چشمش تر شد و گفت: السلام علیک یا امیرالمؤمنین... تا آخر این زیارت که خواهد آمد.^۲

در هر حال، سندی که در «مزار کبیر» برای این زیارت آمده، چنین است: جابر جعفی از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند که امام

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۶۹. ۲. همان مدرک، صفحه ۲۶۶ و ۲۶۷، حدیث ۹.

زین العابدین علیه السلام به زیارت قبر امیر مؤمنان علیه السلام آمد و کنار قبر آن حضرت ایستاد و گریست و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ،

سلام بر تو ای امین خدا بر روی زمینش

وَحُجَّتَهُ عَلَىٰ عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و حجت او بر بندگانش، سلام بر تو ای

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ

امیرمؤمنان، گواهی می‌دهم که تو در راه خدا به شایستگی

حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ

جهاد نموده و به کتابش عمل کرده و از سنت پیامبرش

نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّىٰ دَعَاكَ اللَّهُ إِلَىٰ

- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - پیروی نمودی تا اینکه خداوند تو را به جوار قبرش

جِوَارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَالزَّمَ أَعْدَائَكَ

فرا خواند و تو را به اختیار خود قبض روح کرد و دشمنانت را به پذیرش

الْحُجَّةَ مَعَ مَالِكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَىٰ

حجت و دلیل تو وادار ساخت با آن همه حجت‌های رسای دیگر

جَمِيعِ خَلْقِهِ، اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِيْ مُطْمَئِنَّةً

که بر تمامی مخلوقاتش داری، خدایا قرار ده نفسم را مطمئن به تقدیرت

بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ

خشنود به مقدراتت، شیفته یاد

وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لِّصَفْوَةِ اَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوْبَةً

و دعایت، دوستدار برگزیده اولیانت، محبوب

فِيْ اَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلٰى نَزْوِلٍ

در زمین و آسمانت، شکیبابر نزول

بِلَائِكَ، شَاكِرَةً لِّفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ، ذَاكِرَةً

بلایت، شکرگزار نعمت‌های ظاهری فراوانت، یادکننده

لِسَوَابِغِ اَلْاٰتِكَ، مُشْتَاقَةً اِلَى فَرْحَةٍ لِقَائِكَ،

نعمت‌های باطنی بی‌شمارت، مشتاق دیدار مسرت‌بخشت

مُتَزَوِّدَةً التَّقْوٰى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ

توشه بردارنده تقوا برای روز جزایت، پیرو سنت‌های

اَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِاَخْلَاقِ اَعْدَائِكَ،

اولیانت، دوری کننده از اخلاق دشمنانت

خَوْفِكَ مَرْحُومَةً، وَالْأَعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ

بگرید مورد ترخم است، و فریادرسیت برای آن کس که از تو یاری طلبد

مَوْجُودَةً، وَالْأَعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةً،

مهیاست، و کمکت برای آن کس که از تو کمک خواهد فراهم است

وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَزَةً، وَزَلَلَ مَنْ اسْتَقَالَكَ

و وعده‌هایت بر بندگانت حتمی است، و لغزش‌های آن کس که از تو پوزش طلبد

مُقَالَةً، وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً،

نادیده گرفته شده است و اعمال عمل‌کنندگان در نزدت محفوظ است

وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً،

و روزیهایت بر آفریدگان از نزدت نازل است

وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَأَصِلَةً، وَذُنُوبَ

و بهره‌های فراوان به ایشان می‌رسد، و گناهان

الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً، وَحَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ

آمرزش‌خواهان آمرزیده است، و نیازهای مخلوقات در پیشگاهت

مَقْضِيَّةً، وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوفَّرَةً،

برآورده شده است، و پاداش‌های درخواست‌کنندگان در پیشگاهت فراوان

لَاؤْلِيَاءَنَا، وَكُفَّ عَنَا أَعْدَاءَنَا، وَاشْغَلَهُمْ عَنْ

بیامرز، و دشمنانمان را از ما بازدار، و آنها را از آزارمان منحرف

أَذَانًا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا،

کن، و کلمه حق را آشکار گردان و آن را برتر قرار ده

وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى، إِنَّكَ

و کلمه باطل را از بین ببر و آن را در جایگاه پست قرار ده زیرا که تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

بر هر چیز توانایی.

آنگاه امام باقر علیه السلام فرمود: هر که از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام یا نزد قبر یکی از ائمه علیهم السلام بخواند، خداوند متعال، این زیارت و دعای او را در طوماری از نور بالا می‌برد و مهر حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر آن زده شود و این گونه محفوظ بماند تا تسلیم قائم آل محمد علیه السلام شود.^۲ مطابق آنچه در کتاب مزار کبیر و بحارالانوار آمده است: این زیارت شریفه هم از زیارات مُطلقه محسوب می‌شود و هم از زیارات مخصوصه روز غدیر و هم از زیارات جامعه که در جمیع

۱. کامل الزیارات، باب ۱۱، صفحه ۳۹، حدیث ۱.

۲. مزار کبیر، صفحه ۲۸۲.

روضات مقدّسه ائمه علیهم السلام خوانده می شود.^۱

۱. مزار کبیر، صفحه ۲۸۲ و بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۳۱۲-۳۱۶، حکایت ۵۹.

زیارت عاشورا

برای روز عاشورا زیارات متعددی نقل شده که در بخش‌های آینده این کتاب (بخش اعمال ماه‌ها) به مناسبت بیان اعمال روز دهم ماه محرم (روز عاشورا) بعضی از این زیارات ذکر خواهد شد. در این بخش (بخش زیارات) نیز به تناسب فصل زیارات مخصوصه امام حسین علیه السلام به بعضی زیارات دیگر اشاره می‌شود، لیکن قبل از بیان این زیارت، شایسته است به اهمّیت و آثار فراوانی که زیارت قبر امام حسین علیه السلام از نزدیک، یا دور در این روز غم‌انگیز و حزن‌آفرین دارد، اشاره گردد:

- ۱- جابر جعفی می‌گوید: روز عاشورا بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، به من فرمود: «کسی که شب عاشورا نزد قبر امام حسین علیه السلام بیتوته کند، روز قیامت در حالی که به خورش آغشته است و گویا با امام حسین علیه السلام در یک میدان شهید شده، محشور می‌شود».^۱
- ۲- کسی که روز عاشورا امام حسین علیه السلام را زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود.^۲
- ۳- کسی که روز عاشورا نزد قبر امام حسین علیه السلام به یاد آن حضرت،

۱. کامل الزیارات، باب ۷۱، صفحه ۱۷۳، حدیث ۱.

۲. همان مدرک، صفحه ۱۷۴، حدیث ۲.

زوّارش را سیراب کند مثل کسی است که به لشکر امام حسین آب داده و در آن میدان حاضر بوده است.^۱

یادآوری: جناب علقمه، از تکلیف کسانی که توفیق زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا برای آنان فراهم نیست سؤال می‌کند که به ضمیمه جواب امام علیه السلام در قسمت «زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور» خواهد آمد؛ *إن شاء الله*. (صفحه ۴۳۲)

سند زیارت معروف عاشورا:

جناب علقمه از امام باقر علیه السلام زیارتی را نقل می‌کند که هر جا از زیارت عاشورا و آثار و برکات آن چیزی گفته شده و یا می‌شود، مقصود همین زیارت است. این زیارت که می‌توان از دور و نزدیک آن را خواند از آثار و برکات فوق‌العاده‌ای برخوردار است که ما برای نشان دادن اهمّیت آن نکاتی را مورد اشاره قرار می‌دهیم:

الف) سند این روایت اختصاص به علقمه ندارد بلکه به سه طریق

دیگر نیز نقل شده است:

۱- محمد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از مالک جهنی از امام

باقر علیه السلام.^۲

۱. کامل‌الزیارات، باب ۷۱، صفحه ۱۷۳، حدیث ۵ و بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۵، حدیث ۱۴.

۲. همان مدرک، حدیث ۷ و بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۹۰، حدیث ۱.

- ۲- محمد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از پدرش از امام باقر علیه السلام.^۱
 ۳- روایت معروف صفوان از امام صادق علیه السلام.^۲

البته لازم به ذکر است، در اسنادی که به امام باقر علیه السلام منتهی می‌شود زیارت عاشورا بدون دعا نقل شده است؛ اما در سند صفوان که به امام صادق علیه السلام منتهی می‌شود، دعایی نیز برای بعد از زیارت ذکر شده که - همان‌گونه که گذشت - به اشتباه به نام «دعای علقمه» مشهور شده است در حالی که صحیح این بود که به «دعای صفوان» نامگذاری می‌شد.

ب) در فضیلت این زیارت همین بس که بر خلاف سایر زیارات که از معصومین علیهم السلام نقل شده، این زیارت به شکل حدیث قدسی روایت شده است، یعنی ائمه هدی علیهم السلام آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که جبرئیل امین آن را از سوی خداوند برای او آورده است. اضافه بر این که طبق روایتی از امام صادق علیه السلام، آن حضرت و اجداد معصومش علیهم السلام ضمانت کرده‌اند هر کس این زیارت را و دعای بعد از آن را بخواند، زیارتش مقبول درگاه خداوند و دعایش مستجاب و اهل بهشت خواهد بود و حتی شفاعتش در حق دیگران پذیرفته خواهد شد.^۳

۱. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۹۳، حدیث ۲. ۲. همان مدرک، صفحه ۲۹۶-۳۰۰.
 ۳. همان مدرک، صفحه ۳۰۰ و مصباح‌المتجهذ، صفحه ۷۸۱.

ج) این که مشاهده می شود بعضی از متدینین و عاشقان امام حسین علیه السلام، هر روز این زیارت را می خوانند و بر مداومت بر آن اصرار می ورزند بی جهت نیست؛ چون «ابن قولویه» در پایان روایت علقمه، از خود علقمه نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر توان داری که هر روز امام حسین علیه السلام را با این زیارت، زیارت کنی، چنین کن که تمام آنچه از ثواب گفته شد برایت نوشته می شود ان شاء الله تعالی».^۱ البته با توجه به این که در روایت علقمه، دعای بعد از زیارت، وجود ندارد لذا از سنگینی مداومت بر این زیارت، کاسته می شود.

د) از بعضی از قضایا نیز به دست می آید که ادامه دادن بر این زیارات، آثار و برکات ویژه ای را به دنبال دارد، حتی سبب می شود که دوستان و همسایگان چنین کسی، مشمول برکات و نتایج آن گردند و الطاف الهی شامل حال آنها شود.

ه) قابل توجه این که در پایان این روایت آمده است: «ای صفوان! هرگاه حاجتی به تو روی آورد با این زیارت در هر مکانی که هستی زیارت کن و این دعا را بخوان و حاجتت را بخواه که از جانب خدا برآورده خواهد شد و خداوند از وعده جود و بخششی که به رسولش داد تخلف نمی کند و الحمد لله».^۲

۱. کامل الزیارات، باب ۷۱، صفحه ۱۷۹، قسمت پایانی حدیث ۹.

۲. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۰۰.

خلاصه هر قدر در فضیلت این زیارت گفته شود کم است، ولی نباید فراموش کرد که شرط گرفتن نتیجه آن است که محتوای زیارت را درک کند و در مسیر آن حرکت نماید.

متن زیارت عاشورا:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو

يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، [السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ

ای فرزند رسول خدا،] سلام بر تو ای برگزیده خدا

وَابْنَ خَيْرَتِهِ]، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ

و فرزند برگزیده او]، سلام بر تو ای فرزند امیر

الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

مؤمنان، و فرزند آقا و سرور جانشینان، سلام بر تو

يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

ای فرزند فاطمه سرور بانوان جهانیان، سلام

۱. آنچه داخل پرانتز آمده، در مصباح المتهجد نیامده است، ولی در بعضی از نسخه‌ها آمده است.

عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوِثَرَ الْمُؤْتُورَ،

بر تو ای که خونخواه تو و پدرت خداست،

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ

سلام بر تو و بر ارواحی که بر آستانت

بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا

واردند، سلام پیوسته خدا از جانب من بر همه شما باد و مادامی

بَقِيْتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ

که زنده‌ام و شب و روز باقی است، ای اباعبدالله به یقین

عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ

داغ تو سوزناک و مصیبت تو

بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَجَلَّتْ

بر ما و بر همه مسلمانان بزرگ و سنگین است و

وَعَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ، عَلَى جَمِيعِ

مصیبت تو در آسمانها بر تمامی

أَهْلِ السَّمَوَاتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ

اهل آن بزرگ و سنگین است، پس خدا لعنت کند مردمی را که بنیان

الظُّلْمَ وَالْجَوْرَ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ

ظلم و جور بر شما اهل بیت را بنا نهادند و خدا لعنت کند

أُمَّةً دَفَعْتُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ، وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ

مردمی را که شما از مقامتان کنار زدند و از

مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

جایگاهی که خداوند شما را در آن قرار داده بود دور کردند و خدا لعنت کند مردمی را که

قَتَلْتُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ

شما را به شهادت رساندند، و خدا لعنت کند کسانی را که با فرمانبرداری از آنان زمینه جنگ با

مِنْ قِتَالِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَكْمُ مِنْهُمْ، وَمِنْ

شما را فراهم کردند، به درگاه خدا و نزد شما از آنها و

أَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي

پیروان و تابعین و دوستداران آنها بی‌زاری می‌جویم، ای اباعبدالله

سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمُ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمُ إِلَى

من تا روز قیامت با هر کس که با شما از در صلح درآید در صلح و با هر کس که با شما از در جنگ درآید

يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ،

در جنگم، و خدا خاندان زیاد و خاندان مروان را لعنت کند

وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمِّيَّةَ قَاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ،

و خدا تمامی بنی‌امیه را لعنت کند و خدا پسر مرجانه را لعنت کند

وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا،

و خدا عمر سعد را لعنت کند و خدا شمر را لعنت کند

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ

و خدا مردمی را که اسبها را زین کرده و افسار زده و برای جنگ با تو آماده شدند لعنت

لِقِتَالِكَ، يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي، لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي

کند، پدر و مادرم فدای تو باد، به یقین مصیبت شما بر من گران

بِكَ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي

آمد، پس از خدایی که مقامت را گرامی داشت و مرا نیز به خاطر شما گرامی داشت

بِكَ، أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ

می‌خواهم که خونخواهی تو را در رکاب امام پیروزمند (امام زمان)

مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

از خاندان محمد - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - روزیم نماید

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ

خدایا مرا در درگاهت به واسطه امام حسین - که بر او درود باد -

السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي

در دنیا و آخرت آبرومند قرار ده، ای اباعبدالله، من

اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَالْإِلَى رَسُولِهِ، وَالْإِلَى

تقرب می‌جویم به درگاه خدا و نزد رسولش و

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِلَى فَاطِمَةَ، وَالْإِلَى الْحَسَنِ

امیرمؤمنان و فاطمه و حسن

وَالْيَكِ بِمُؤَالَاتِكَ، وَبِالْبِرَاثَةِ إِمَّانٍ قَاتَلَكِ

و شما، به واسطه پیروی از شما و بیزاری از کسانی که با شما به نبرد پرداخته

وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ، وَبِالْبِرَاثَةِ إِمَّانٍ أَسَّسَ

و اعلان جنگ نمودند، و به واسطه بیزاری از کسانی که

أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ

بنیان ظلم و جور بر شما را بنا نهادند، و به درگاه خدا

وَالْإِلَى رَسُولِهِ [إِمَّانٍ أَسَّسَ أَسَاسَ ذَلِكَ، وَبَنَى

و نزد رسولش بیزاری می‌جویم] از کسانی که اساس این کار را پایه‌گذاری کرده و بنیانش

عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ، وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجُورِهِ عَلَيْكُمْ،

بر آن بنا کردند و بر شما و شیعیانتان ظلم و ستم

۱. متن داخل پرانتز در بعضی از نسخه‌های مصباح شیخ طوسی نیامده است.

وَعَلَىٰ أَشْيَاعِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّيْكُمْ مِنْهُمْ،

نمودند، به درگاه خدا و نزد شما از آنها بی‌زاری می‌جویم

وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ، ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاةِ

و به درگاه خدا و نزد شما تقرب می‌جویم به خاطر پیروی از شما

وَلِيِّكُمْ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ

و ولی شما و به خاطر بی‌زاری از دشمنانتان و آنان که با شما اعلان جنگ

الْحَرْبِ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ، إِنِّي

نمودند و به خاطر بی‌زاری از پیروان و تابعین آنها، من

سَلِّمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ،

با هر کس که با شما از در صلح درآید در صلحم و با هر کس که با شما از در جنگ درآید در جنگم

وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ،

و با دوستدارانتان دوست و با دشمنانتان دشمنم

فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ

پس از خدایی که مرا به خاطر شناخت شما و

أَوْلِيَاءِكُمْ، وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، أَنْ

دوستدارانتان گرامی داشت و بی‌زاری از دشمنانتان را روزیم کرد، می‌خواهم که

يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَبِّتَ

مرا در دنیا و آخرت با شما قرار داده، و در نزد شما

لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

با صداقت ثابت قدم گرداند،

وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ

و از خدا می‌خواهم مرا به مقام پسندیده‌ای که نزد او دارید

عِنْدَ اللَّهِ، وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِيٍّ مَعَ إِمَامٍ

برساند و خونخواهی شما را در رکاب امامی

هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ

هدایت‌گر و پیروز و گوینده حق از خاندان شما روزیم گرداند و از خدا می‌خواهم

بِحَقِّكُمْ وَبِاللِّسَانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ، أَنْ يُعْطِيَنِي

به حق شما و مقامی که در نزد او دارید که به واسطه

بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَابًا

مصیبتی که از فقدان شما به من رسیده، بهترین پاداشی را که به یک مصیبت‌زده می‌دهد

۱. در مصباح‌المتجهّد «طلب تارکم مع امام مهدی ظاهر ناطق منکم» آمده و عبارت بالا در مزار کبیر آمده است.

بِمُصِيبَتِهِ، مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا

عطا کند، چه مصیبت سنگین و داغ سوزناکی

فِي الْإِسْلَامِ، وَفِي جَمِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ،

در اسلام و در همه آسمانها و زمین بود!

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالَهُ مِنْكَ

خدایا مرا در این جایگاه از کسانی که

صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ

درود و رحمت و مغفرتت به آنان می‌رسد قرار ده، خدایا

مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَمَاتِي

زندگیم را همانند زندگی محمد و خاندانش و مردنم را همانند

مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ

مردن محمد و خاندانش قرار ده، خدایا این همان روزی است

تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ، وَابْنُ آكَلَةِ الْاَكْبَادِ، اللَّعِينُ

که بنی‌امیه و فرزند آن زن جگرخوار برای خود روز برکت قرار دادند، همان ملعون

ابْنُ اللَّعِينِ، عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى

پسر ملعون بر زبان تو و پیامبرت - که درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ

خدا بر او و خاندان پاکش باد - در هر مکان و جایگاهی که

فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا

پیامبرت - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - در آن توقف نمود، خدایا ابوسفیان

سُفْيَانَ وَمُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ

و معاویه و یزید پسر معاویه را لعنت کن و لعنت همیشگی و پیوسته

مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبَدِينَ، وَهَذَا يَوْمٌ

از جانب تو بر آنها باد، و این روزی است که

فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمْ

خاندان زیاد و مروان به واسطه کشتن

الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ

امام حسین - که درود خدا بر او باد - شادی نمودند، خدایا

عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ، اللَّهُمَّ إِنِّي

لعنت و عذابت را بر آنها دو چندان کن، خدایا من

اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي مَوْقِفِي هَذَا

به درگاهت تقرب می‌جویم در این روز و در این جایگاه

وَأَيَّامَ حَيَاتِي، بِالْبِرَاةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ،

و طول عمرم به واسطهٔ بیزاری از آنها و لعن آنها

و بِالْمَوَالِ لِنَبِيِّكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

و به واسطهٔ پیروی از پیامبر و خاندان او - که بر او و آنان

السَّلَامُ * سپس صد مرتبه می‌گویی: اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوْلَ

درود باد * * * خدایا بر نخستین

ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ آخِرَ تَابِعٍ

ظالمی که در حق محمد و خاندان پاکش ستم نمود و بر آخرین کسی که

لَهُ عَلَى ذَلِكِ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي

در این ظلم از او تبعیت نمود لعنت کن. خدایا گروهی که با

جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ، وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ

امام حسین جنگیده و بر کشتن آن حضرت همراهی و بیعت نموده و تابعین آنها

عَلَى قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعاً * آنگاه صد مرتبه

لعنت کن. خدایا همهٔ آنها را لعنت کن. * * * * *

می‌گویی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَى

* * * سلام بر تو ای اباعبدالله. و بر

الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ

ارواحی که در آستانت مدفونند، سلام پیوسته خدا

اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيََتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا

از جانب من بر تو باد مادامی که زنده‌ام و شب و روز باقی است،

جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ، أَسَلَامٌ

و خداوند این زیارت را آخرین زیارت من از شما قرار ندهد، سلام

عَلَى الْحُسَيْنِ، وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ،

بر حسین، و بر علی بن حسین

وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى أَصْحَابِ

و بر فرزندان حسین و بر یاران

الْحُسَيْنِ * سِپِسِ مِیْ گویی: اَللّٰهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ

حسین * * * * * خدایا لعنت من را مخصوص

ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَابْدَأْ بِهِ أَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِي

اولین ظالم قرار ده، و لعنت را از اولین آنها آغاز کن، سپس دومی

۱. در مصباح‌المتجهّد «لزیارتک» آمده است.

وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ، اَللّٰهُمَّ الْعَن يَزِيْدَ خَامِسًا،

و سومی و چهارمی، خدایا در مرتبه پنجم یزید را لعنت کن

وَالْعَن عُبَيْدَ اللّٰهِ بْنِ زِيَادٍ وَاِبْنَ مَرْجَانَةَ وَ عُمَرَ

و عبیدالله بن زیاد و پسر مرجانه و عمر سعد

بْنَ سَعْدٍ وَ شِمْرًا، وَ آلَ اَبِي سُنَيَانَ وَ آلَ زِيَادٍ

و شمیر و خاندان ابوسفیان و خاندان زیاد

وَ آلَ مَرْوَانَ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۱ * اَنگاه به سجده می‌روی

و خاندان مروان را تا روز قیامت لعنت کن. * * * * *

وَمِيْ كُوْبِي: اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِيْنَ لَكَ

خدایا ستایش از آن توست، ستایش سپاسگزاران که برای اهل بیت (عصمت)

۱. بعضی می‌گویند: جمله‌های «أَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِي وَ الثَّالِث وَ الرَّابِع» در نسخه خطی مصباح‌المتهجد، مربوط به اوائل قرن ششم (سال ۵۰۲)، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی و نسخه مصباح‌الصغیر شیخ (که برگزیده مصباح‌المتهجد است) و مربوط به قرن ششم و آن هم در آستان قدس موجود است، وجود ندارد. ولی باید توجه داشت که جمله‌های فوق در چند نسخه مهم و معتبر دیگر مصباح‌المتهجد و مصباح‌الصغیر موجود است: ۱- نسخه قدیمی و خطی مصباح‌المتهجد که تاریخش به زمان شیخ طوسی (قرن پنجم) بر می‌گردد و در کتابخانه مسجد اعظم مرحوم آیه الله بروجردی در قم (به شماره ۳۹۴) موجود است و در صفحه اول آن نوشته شده: «نسخه زمان مؤلف».

۲- نسخه ابن ابی‌الجدود که در کتابخانه مرحوم آیه الله مرعشی (به شماره ۶۸۳۷) موجود است؛ وی می‌نویسد: این نسخه را با نسخه‌ای که در اختیار نوه ابن شهر آشوب بوده، مقابله کردم و نوه ابن شهر آشوب گفته است که من از جدم (ابن شهر آشوب) شنیدم که این نسخه‌ای است که آن را بر شیخ طوسی خوانده‌ام. در این نسخه نیز جملات فوق موجود است.

عَلَىٰ مُصَابِهِمْ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى عَظِيْمٍ

مصیبت زده شده‌اند، حمد و سپاس از آن خداوند است بر

رَزِيَّتِي، اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ

مصیبت بزرگم، خدایا شفاعت امام حسین را در روز

الْوُرُودِ، وَثَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ

ورود به محشر روزیم کن و مرا در نزد خود با راستی ثابت قدم بدار، همراه با

الْحُسَيْنِ وَاَصْحَابِ الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ بَدَلُوا

امام حسین و یارانش که خون خود را

مُهَجَّهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. ۱

در راه او - که بر او درود باد - نثار نمودند.

→ ۳- مرحوم سید بن طاووس نیز در مصباح الزائر این زیارت را به کیفیت فوق نقل کرده است و پس از آنکه می‌گوید: این دو فقره اخیر زیارت که مشتمل بر صد لعن و صد سلام است را در مصباح کبیر (مصباح المتهجد، در نسخه موجود نزد من) نیافتم، می‌افزاید: ولی من آن را از مصباح الصغیر شیخ (که برگرفته از مصباح کبیر است) نقل می‌کنم. (مصباح الزائر، صفحه ۲۷۸) در نقل سید از مصباح الصغیر نیز، جمله‌های فوق آمده است. بنابراین، در بسیاری از نسخه‌های قدیمی مصباح المتهجد و برخی از نسخه‌های مصباح الصغیر جمله‌های فوق موجود است و اگر در برخی دیگر از نسخه‌ها نیست، ممکن است به شرایط زمانی عرضه این زیارت برگردد. علاوه بر آنکه در بحار الانوار (جلد ۹۸، صفحه ۲۹۶) همین فقرات و جمله‌ها موجود است و ایشان نیز مستقیماً از مصباح المتهجد نقل می‌کند و این نشان می‌دهد در نسخه موجود نزد علامه مجلسی نیز، جمله‌های فوق وجود داشت. و اگر در کامل‌الزیارات جمله‌های فوق به طور دقیق نیامده، مشکلی ایجاد نمی‌کند، چراکه نقل این قولیبه در کامل‌الزیارات در بخش‌های دیگر زیارت عاشورا نیز با نقل مصباح المتهجد اندکی متفاوت است و تنها در جمله‌های مورد بحث نیست.

۱. مصباح المتهجد، صفحه ۷۳۳. رجوع شود به: کامل‌الزیارات، باب ۷۱، صفحه ۱۷۶، حدیث ۸ و مزار کبیر، صفحه ۴۸۰ (با اندکی تفاوت).

مناجات امیرالمؤمنین علیه السلام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ

خدایا از تو امان می‌خواهم برای روزی که مال

وَلَا بَنُونَ، إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ، وَأَسْأَلُكَ

و فرزندان سودی ندهد مگر کسی که دلی پاک به پیشگاه خدا آورد، و از تو

الْأَمَانَ يَوْمَ يَعِضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ، يَقُولُ يَا

امان می‌خواهم در آن روزی که ظالم هر دو دستش را گزیده و می‌گوید: ای

لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً، وَأَسْأَلُكَ

کاش همراه پیامبر راه (اطاعت) در پیش گرفته بودم، و از تو

الْأَمَانَ يَوْمَ يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ،

امان می‌خواهم در روزی که گناهکاران از چهره‌شان شناخته می‌شوند

فَيُؤَخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ، وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ

و (مأموران عذاب) موهای پیش سر و پاهایشان را گرفته (و به دوزخ می‌افکنند)، و از تو امان

يَوْمَ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ، وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ

می‌خواهم (در روزی که) پدری به جای فرزند و فرزندی به جای پدر

جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا، إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ،

کیفر نشود، و به یقین وعده خدا حق است،

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ

و از تو امان می‌خواهم در روزی که عذر خواهی ستمکاران سودی

مَعْدِرَتُهُمْ، وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ،

ندهد، و لعنت خدا و جایگاه بد (در دوزخ) برای آنان است،

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ

و از تو امان می‌خواهم در روزی که کسی قدرت بر دیگری

شَيْئًا، وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ، وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ

ندارد و کارها در آن روز به دست خداوند است، و از تو امان می‌خواهم در روزی که

يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ، وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ، وَصَاحِبَتِهِ

انسان از برادر و مادر و پدر و همسر

وَبَنِيهِ، لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ،

و فرزندانش فرار می‌کند و در آن روز هرکس به کار خویش مشغول است،

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي

و از تو امان می‌خواهم در روزی که گناهکار دوست دارد

مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بَيْنِيهِ، وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ،

که فرزندان و همسر و برادر و قبیله‌اش که (در دنیا) حامی او بودند

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ، وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ

و همهٔ مردم روی زمین را در برابر عذاب آن روز فدا کند

جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ، كَلَّا إِنَّهَا لَلظَى، نَزَاعَةٌ

تا مایهٔ نجاتش گردند، اما هرگز (نجات نمی‌یابد آری) شعله‌های آتش است که دست و پا و پوست سر را می‌کند

لِلشَّوْى، مَوْلَاىَ يَا مَوْلَاىَ، أَنْتَ الْمَوْلَىٰ وَ أَنَا

و می‌برد مولای من ای مولای من، تویی مولا و منم

الْعَبْدُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَىٰ، مَوْلَاىَ

بنده، آیا کسی جز مولا بر بنده‌اش رحم می‌کند؟ مولای من

يَا مَوْلَاىَ، أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ، وَ هَلْ

ای مولای من تویی مالک و منم مملوک و آیا کسی

يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمَالِكُ، مَوْلَاىَ يَا مَوْلَاىَ،

جز مالک بر مملوک رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من،

أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الذَّلِيلُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ

تویی گرامی و منم خوار، و آیا کسی جز گرامی بر

إِلَّا الْعَزِيزُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا

ذلیل خوار رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من، تویی آفریننده و منم

الْمَخْلُوقُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ،

آفریده شده و آیا کسی جز آفریننده بر مخلوقش رحم می‌کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْعَظِيمُ وَأَنَا الْحَقِيرُ،

مولای من ای مولای من، تویی بزرگ و منم بی مقدار

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْحَقِيرَ إِلَّا الْعَظِيمُ، مَوْلَايَ يَا

و آیا کسی جز (خدای) بزرگ بر (بنده) بی مقدار رحم می‌کند؟ مولای من ای

مَوْلَايَ، أَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ، وَهَلْ

مولای من، تویی توانا و منم ناتوان و آیا

يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ،

کسی جز توانا بر ناتوان رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من،

أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا

تویی بی‌نیاز و منم نیازمند، و آیا کسی جز بی‌نیاز بر

الْغَنِيُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا

نیازمند رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من، تویی عطا کننده و منم

السَّائِلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطَى،

محتاج، و آیا کسی جز عطا کننده بر محتاج رحم می‌کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْحَيُّ وَ أَنَا الْمَيِّتُ،

مولای من ای مولای من، تویی زنده و منم مرده،

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ، مَوْلَايَ يَا

و آیا کسی جز زنده ابدی بر مرده بی جان رحم می‌کند؟ مولای من ای

مَوْلَايَ، أَنْتَ الْبَاقِي وَ أَنَا الْفَانِي، وَ هَلْ يَرْحَمُ

مولای من، تویی پایدار و منم (بنده) فانی، و آیا کسی جز پایدار

الْفَانِي إِلَّا الْبَاقِي، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ

بر (بنده) فانی رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من، تویی

الدَّائِمُ وَ أَنَا الزَّائِلُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا

جاودان و من زوال‌پذیر، و آیا کسی جز جاودان بر زوال‌پذیر رحم می‌کند؟

الدَّائِمُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا

مولای من ای مولای من، تویی روزی‌ده و منم

الْمَرْزُوقُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ،

روزی‌خوار، و آیا کسی جز روزی ده بر روزی خوار رحم می‌کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِيلُ،

مولای من ای مولای من، تویی سخاوتمند و منم بخیل،

وَهَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُ، مَوْلَايَ يَا

و آیا کسی جز سخاوتمند بر بخیل رحم می‌کند؟ مولای من ای

مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمُعَافِي وَ أَنَا الْمُبْتَلَى، وَ هَلْ

مولای من تویی شفا دهنده و منم بیمار و آیا

يَرْحَمُ الْمُبْتَلَى إِلَّا الْمُعَافِي، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ،

کسی جز شفا دهنده بر بیمار رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من،

أَنْتَ الْكَبِيرُ وَ أَنَا الصَّغِيرُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ

تویی بزرگ و منم کوچک و آیا کسی جز بزرگ

إِلَّا الْكَبِيرُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْهَادِي وَ أَنَا

بر کوچک رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من، تویی هدایت کننده و منم

الضَّالُّ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهَادِي، مَوْلَايَ

گمراه، و آیا کسی جز هدایت کننده بر گمراه رحم می‌کند؟ مولای من

يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ،

ای مولای من، تویی بخشنده و منم نیازمند بخشش

وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ، مَوْلَايَ يَا

مولاى كسى جز بخشنده بر نيازمند بخشش رحم مى‌كند؟ مولاى من اى

مَوْلَايَ، اَنْتَ السُّلْطَانُ وَ اَنَا الْمُمْتَحَنُ، وَهَلْ

مولاى من، تويى فرمانروا و منم گرفتار امتحان‌ها، و آيا

يَرْحَمُ الْمُمْتَحَنَ إِلَّا السُّلْطَانُ، مَوْلَايَ يَا

كسى جز فرمانروا برگرفتار رحم مى‌كند؟ مولاى من اى

مَوْلَايَ، اَنْتَ الدَّلِيلُ وَ اَنَا الْمُتَحَيِّرُ، وَهَلْ

مولاى من تويى راهنما و منم سرگردان و آيا كسى

يَرْحَمُ الْمُتَحَيِّرَ إِلَّا الدَّلِيلُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ،

جز راهنما بر سرگردان رحم مى‌كند؟ مولاى من اى مولاى

اَنْتَ الْغُفُورُ وَ اَنَا الْمُذْنِبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ

من آمرزنده تويى آمرزنده و منم گناهكار، و آيا كسى

الْمُذْنِبَ إِلَّا الْغُفُورُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، اَنْتَ

جز آمرزنده بر گناهكار رحم مى‌كند؟ مولاى من اى مولاى من، تويى

الْغَالِبُ وَ اَنَا الْمَغْلُوبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ

پيروز و منم شكست خورده و آيا كسى جز پيروز

إِلَّا الْغَالِبُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا

بر شکست خورده رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من، تویی پروردگار

الْمَرْبُوبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ،

و منم پرورش یافته و آیا کسی جز پروردگار بر پرورش یافته رحم می‌کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَأَنَا الْخَاشِعُ،

مولای من ای مولای من، تویی بزرگ منش و منم افتاده،

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ، مَوْلَايَ يَا

و آیا کسی جز بزرگ منش بر افتاده رحم می‌کند؟

مَوْلَايَ، إِرْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَارْضَ عَنِّي

مولای من ای مولای من، به رحمتت بر من رحم کن

بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ، يَا ذَا الْجُودِ

و به بخشش و کرم و لطف از من خشنود باش،

وَالْإِحْسَانِ، وَالطَّوْلِ وَالْإِمْتِنَانِ، بِرَحْمَتِكَ يَا

ای صاحب بخشش و نیکی و قدرت و بخشنده نعمت، تو را به رحمتت می‌خوانم ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱.

مهربان‌ترین مهربانان.

۱. مصباح الزائر، صفحه ۸۸ و بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۴۱۹.

زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

مرحوم «شیخ طوسی» در کتاب «تهذیب»، زیارت دیگری را از

بزرگان شیعه نقل می‌کند که از این قرار است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای دختر رسول خدا، سلام

عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ

بر تو ای دختر پیامبر خدا، سلام بر تو ای دختر

حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ،

(محمد) محبوب خدا، سلام بر تو ای دختر خلیل خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای دختر (محمد) برگزیده خدا، سلام بر تو

يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ

ای دختر امین خدا، سلام بر تو ای دختر

خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ

بهترین مخلوقات خدا، سلام بر تو ای دختر برترین

أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

پیامبران و فرستادگان و فرشتگان خدا، سلام بر تو ای

بِنْتِ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ

دختر بهترین آفریدگان خدا، سلام بر تو ای سرور بانوان

الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ

جهانیان از پیشینیان و پسینیان، سلام

عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ، وَ خَيْرِ الْخَلْقِ

بر تو ای همسر ولی خدا، و بهترین مخلوقات

بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ

بعد از رسول خدا، سلام بر تو ای مادر حسن

وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ

و حسین سرور جوانان اهل بهشت، سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّديقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای راستگوی شهیده، سلام بر تو

أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرَضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا

ای که از خدا خشنود و او از تو خشنود است، سلام بر تو ای

الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ

با فضیلت پاکیزه، سلام بر تو ای حوری صفت

الْأَنْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ،

در شکل انسان، سلام بر تو ای پرهیزکار پاکیزه

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای دانای اخبار (از سوی فرشتگان) و آگاه، سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْضُوبَةُ، السَّلَامُ

بر تو ای ستم دیده ای که حَقَّتْ غُصْبٌ شُدِه، سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ، السَّلَامُ

بر تو ای ظلم کشیده مورد غضب (دشمنان) واقع شده، سلام

عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

بر تو ای فاطمه دختر رسول خدا و رحمت

وَبَرَكَاتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ

و برکات خدا بر تو باد، درود خدا بر تو و بر روح

وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَيْتَةِ مِنْ رَبِّكَ،

و بدن تو باد، گواهی می‌دهم که تو با دلیل روشن از جانب پروردگارت عمرت را به پایان

وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

رساندی و به یقین هر که تو را خشنود ساخت رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندان پاکش

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ

باد - را خشنود ساخته، و هر که بر تو ستم کرد به یقین بر رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى

- که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - ستم کرده، و هر که تو را اذیت نمود به یقین

رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ وَصَلَكَ

رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - را اذیت نموده، و هر که به تو پیوست

فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

به یقین به رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - پیوسته

وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و هر که از تو برید به یقین از رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد -

وَآلِهِ، لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ، وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ

بریده است، زیرا تو پاره تن او و روحش که درون جسم او بود

جَنْبِيهِ، كَمَا قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ

هستی، همانگونه که پیامبر - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - فرمود، خدا

وَرُسُلُهُ وَمَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ،

و فرستادگان و فرشتگانش را گواه می‌گیرم که به یقین من خشنودم از هر که تو از او خشنودی

سَاخِطٌ عَلَىٰ مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ

و خشمگینم از هر که تو از او خشمگینی، بیزارم از هر که تو

تَبَرَّئْتُ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتِ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ،

از او بیزاری، دوست دارم هر که را تو دوست داری، دشمنم با هر که تو دشمنی

مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ،

کینه دارم از آن که تو از او دلگیری، و علاقه‌مندم به هر که تو علاقه داری

وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا وَحَسِيبًا، وَجَازِيًا وَمُثِيبًا.

و خدا برای گواه و حسابگر و کیفردهنده و پاداش دهنده کافی است.

سپس بر رسول اکرم و ائمه اطهار صلوات می‌فرستی.^۱

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۹۵، حدیث ۱۲، به نقل از تهذیب، جلد ۶ صفحه ۱۰.

زیارت آل یاسین

«شیخ جلیل، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی» در کتاب شریف «احتجاج» روایت کرده که از ناحیه مقدّس حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ زیارت زیر در پاسخ نامه «محمد حمیری» آمده است که زیارتی است بسیار عالی و پرمحتوا (و در سرداب مقدس و غیر آن می‌توان از آن استفاده کرد)، آن حضرت فرمود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ، وَ لَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِالْعَهَّةِ فَمَا تَغْنِي النَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ، أَلَسَلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. هر گاه خواستید بوسیله ما به خدا، و به سوی ما توجه کنید، این زیارت را بخوانید.

این زیارت مطابق نقل «بحارالانوار» چنین است:

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَّ، أَلَسَلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِي

سلام بر آل یس، سلام بر تو ای دعوت کننده (به سوی)

اللَّهُ وَرَبَّنِي آيَاتِهِ، أَلَسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ

خدا و پرورش یافته آیات الهی، سلام بر تو ای درگاه (رحمت) خدا

وَدَيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ

ومبلغ دینش، سلام بر تو ای جانشین خدا (در زمین) و یاور

حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ،

دینش، سلام بر تو ای حجت خدا و راهنمای اراده‌اش

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ،

سلام بر تو ای تلاوت‌کننده کتاب خدا و مفسر آن

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ،

سلام بر تو در طول شب و روز

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای ذخیره الهی در زمین او، سلام

عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ،

بر تو ای پیمانی که خدا آن را گرفته و محکم ساخته است

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای وعده خدا که آن را ضمانت نموده، سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ

بر تو ای نشانه نصب شده، و دانش

الْمُصِيبُ، وَالْغَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَاً

فراوان، و فریادرس و رحمت وسیع، و ای وعده

غَيْرَ مَكْذُوبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ،

صادق (الهی)، سلام بر تو هنگامی که بیا می‌خیزی

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

سلام بر تو هنگامی که می‌نشینی، سلام بر تو هنگامی که

تَقْرَأُ وَتَبِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي

(قرآن) می‌خوانی و تفسیر می‌کنی، سلام بر تو هنگامی که نماز می‌خوانی

وَتَقْنَتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ،

و قنوت می‌گیری، سلام بر تو هنگامی که رکوع کرده و سجده می‌کنی

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَهْلُلُ وَتَكْبِرُ، السَّلَامُ

سلام بر تو هنگامی که «لا اله الا الله» و تکبیر می‌گویی، سلام

عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو هنگامی که ستایش خدا کرده و آمرزش می‌طلبی، سلام بر تو

حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ

هنگامی که صبح و شام می‌کنی، سلام بر تو در شب

إِذَا يَغْشَىٰ، وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

آن هنگام که سیاهیش فراگیر شود و در روز آن هنگام که آشکار گردد، سلام بر تو

أَيُّهَا الْأَمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

ای امام مورد اطمینان، سلام بر تو ای

الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ

پیشی گرفته‌ای که همه آرزوی تو را دارند، همه سلامها بر تو باد

السَّلَامُ، أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ

مولای من تو را گواه می‌گیرم که شهادت می‌دهم بر اینکه معبودی

إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

جز خدا نیست، یگانه‌ای که شریکی ندارد و محمد بنده

وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَشْهَدُكَ

و فرستاده اوست، محبوبی جز او و خاندانش نیست، و مولای من تو را گواه

يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ،

می‌گیرم که علی امیرمؤمنان حجت خداست

وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ

و امام حسن حجت او و امام حسین حجت او و علی بن

الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ،

حسین حجت او، و محمد بن علی، حجت او

وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ

و جعفر بن محمد حجت او، و موسی بن جعفر

حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ

حجت او، و علی بن موسی حجت او، و محمد بن

عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ،

علی حجت او و علی بن محمد حجت او

وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ

و حسن بن علی حجت اوست و گواهی می‌دهم که تو حجت

اللَّهِ، أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَ أَنْ رَجَعْتُمْ حَقَّ

خدایی، آغاز و پایان شما بید و این که رجعت شما حق است

لَارْيَبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا، لَمْ

و هیچ شکی در آن نیست، روزی که ایمان آوردن کسی که قبلاً

تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا

ایمان نیاورده یا در ایمانش عمل نیکی انجام نداده سودی

خَيْرًا، وَإِنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَإِنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا

به حالش نخواهد داشت، و اینکه به یقین مرگ و (آمدن دو فرشته) ناگر و نکیر (در قبر)

حَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقًّا،

حق است، و گواهی می‌دهم که زنده شدن دوباره و برانگیخته شدن حق است

وَإِنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ، وَالْمِيزَانَ

و پل صراط و کمین‌گاه قیامت حق است، و سنجش اعمال

حَقٌّ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسَابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ

و محشور شدن و رسیدگی به حساب اعمال حق است و بهشت

وَالنَّارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ، يَا

و دوزخ حق است، و وعده و وعیدهای بهشت و جهنم حق است، ای

مَوْلَايَ شَقِيٍّ مَنْ خَالَفَكُمْ، وَسَعِيدٍ مَنْ

مولای من مخالف شما بدبخت و مطیع شما خوشبخت

أَطَاعَكُمْ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ،

است، پس بر آنچه تو را بر آن شاهد گرفتم گواهی ده،

۱. در بحار و احتجاج: «أَنَّ النَّشْرَ وَالْبَعْثَ حَقٌّ» آمده.

وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ، بَرِيٌّ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا

و من دوست شمایم و از دشمنانتان بیزارم، حق آن است که

رَضِيْتُمُوهُ، وَ الْبَاطِلُ مَا اسْخَطْتُمُوهُ،

شما را خشنود ساخته و باطل آن است که شما را به خشم آورده

وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ

و معروف آن است که شما به آن فرمان داده‌اید و منکر آن است که شما از آن

عَنْهُ، فَفَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،

نهی کرده‌اید، پس من ایمان دارم به خدای یگانه‌ای که شریکی ندارد

وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ،

و به فرستاده او و به امیرمؤمنان و به شما ای مولای من

أَوْلَاكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ،

اولین و آخریتان، و برای یاربتان آماده‌ام

وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ، آمِينَ آمِينَ * آنگاه این دعا

و دوستی من نسبت به شما خالص است، دعایم را بپذیر، دعایم را بپذیر، *

۱. در بحار و احتجاج «ما سخطموه» آمده .

خوانده شود: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

*** * خدایا از تو می‌خواهم که بر محمد

مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ، وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَأَنْ تَمْلَأَ

پیامبر رحمتت و آفریدهٔ پرنورت درود فرستی و پر کنی

قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ، وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ،

دل من را از نور یقین و سینه‌ام را از نور ایمان

وَفِكْرِي نُورَ النِّيَّاتِ، وَعَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ،

و فکرم را از نور اراده، و عزم من را از نور علم

وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ، وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ،

و توانم را از نور عمل، و زبانه من را از نور صداقت

وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصَرِي نُورَ

و دین من را از نور روشنایی‌های نزدت، و چشم من را از نور

الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي نُورَ

روشنابیت، و گوش من را از نور حکمت، و محبت من را از نور

الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، حَتَّى

دوستی محمد و خاندان پاکش - که بر ایشان درود باد - (پر کنی) تا هنگامی که

الْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ،

تو را ملاقات کنم در حالی که به عهد و پیمانت وفا نمودم

فَتَغَشِّنِي رَحْمَتَكَ، يَا وَلِيَّيَ يَا حَمِيدُ، اَللّٰهُمَّ

پس مرا با رحمت خود بپوشان، ای سرپرست، ای ستوده، خدایا

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي اَرْضِكَ،

درود فرست بر محمد (امام زمان) حجتت در زمین

وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَالِدَاعِي اِلَى سَبِيلِكَ،

و جانشینت در شهرهایت و دعوت کننده به راهت

وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالثَّائِرِ بِاَمْرِكَ، وَوَلِيِّ

و پیاورنده قسط و عدل تو، و بیاخواسته برای اجرای فرمانت، همان سرپرست

الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ الْكٰفِرِينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ،

مؤمنان و نابودکننده کافران، و زائل کننده تاریکی

وَمُنِيرِ الْحَقِّ، وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ،

و روشن کننده حق، و گوینده حکمت و راستی

وَكَامِلَتِكَ التَّامَّةِ فِي اَرْضِكَ، اَلْمُرْتَقِبِ

و حجت کاملت در زمین، آن منتظر

الْخَائِفِ، وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ،

نگران، و سرپرست خیرخواه، همان کشتی نجات

وَعَلَمِ الْهُدَى، وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَ خَيْرِ مَنْ

و نشانه هدایت و روشنی چشمان مخلوقات، بهترین کسی که

تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَمُجَلَّى الْعَمَى، الَّذِي يَمْلَأُ

پیراهن و ردا پوشیده و برطرف کننده جهالت و نادانی، کسی که

الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا

زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان‌گونه که از ظلم

وَجَوْرًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ

و جور پر شده است، زیرا که تو بر هر چیز توانایی، خدایا

عَلَى وَاٰلِكَ وَاٰبِنِ اَوْلِيَائِكَ الَّذِيْنَ فَرَضْتَ

بر ولایت و فرزند اولیائت درود فرست، آنانی که اطاعتشان را

طَاعَتَهُمْ، وَاَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَاَذْهَبْتَ عَنْهُمْ

لازم و رعایت حقشان را واجب فرمودی و ناپاکی را از آنها

الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا، اللَّهُمَّ انصُرْهُ

دور ساخته و به شایستگی پاکشان نمودی، خدایا یاریش کن

وَأَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَأَنْصُرُ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ،

و دینت را به دست او یاری کن، و دوستدارانت

وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ،

و دوستداران و شیعیان و یاورانش را به وسیله او یاری کن و ما را در زمره آنان قرار ده،

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ

خدایا او را از شر هر ظالم و طغیانگر و از شر

جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ

تمامی مخلوقات، و از پیش رو و

خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ

پشت سر و از سمت راست و چپ حفظ کن، و نگهدار او باش

وَأَمْنَعُهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ

و از رسیدن آسیب به او جلوگیری کن، و با حفظ او

رَسُولَكَ، وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهَرُ بِهِ الْعَدْلَ،

رسولت و خاندانت را حفظ کن، و با او عدل را ظاهر کن

وَأَيِّدُهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرُ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ

و با یاریش او را تأیید کن، و یاورانش را یاری کن، و مخالفانش را

خَاذِلِيهِ، وَأَقْصِمِ قَاصِمِيهِ، وَأَقْصِمِ بِهِ جَبَابِرَةَ

خوار گردان، و دشمنانش را درهم شکن، و به دست او گردنکشان کفر را درهم شکن

الْكَفْرِ، وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَ جَمِيعَ

و بدست او کافران و منافقان و تمامی

الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ

بی‌دینان را در هر جا که هستند چه در شرق زمین و

مَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا، وَأَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ

چه در غرب آن و چه در خشکی و چه در دریا نابود کن، و به دست او زمین را

عَدْلًا، وَأَظْهَرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

از عدل پر کن، و به دست او دین پیامبرت - که درود خدا بر او و خاندان پاکش

وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ،

باد - را ظاهر کن، خدا یا مرا از یاران و یاوران

وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَارْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ

و پیروان و شیعیانش قرار ده و آنچه را خاندان محمد - که بر آنان درود

السَّلَامُ مَا يَأْمَلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ،

باد - آرزو داشتند در مورد دشمنانشان بیم داشتند به من نشان ده

إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا

ای معبود بر حق دعایم را بپذیر، ای صاحب شکوه و بزرگواری، ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱.

مهربانان.

مهربان‌ترین

۱. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۸۱، حدیث ۱ و احتجاج، جلد ۲، صفحه ۴۹۲ (با اندکی تفاوت).

زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام

از دعاهایی که در «مصباح الزائر» بعد از دعای ندبه ذکر شده (و از آن به زیارت تعبیر گردیده است) دعایی است که بعد از نماز صبح خوانده می‌شود:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ

خدایا برسان به مولای من صاحب الزمان - که درود خدا

اللَّهِ عَلَيْهِ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي

بر او باد - از طرف تمام مردان و زنان با ایمان در

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا،

شرق و غرب زمین و خشکی و دریا

وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيْثُ هُمْ وَمِثَّتِهِمْ، وَعَنْ وَالِدَيْ

و پستی و بلندی، زنده و مرده آنها و از طرف پدر و مادر

وَوُلْدَيْ، وَعَنْ مَنِ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ زِنَةَ

و فرزندانم و از طرف خودم، درودها و سلام‌هایی هم‌وزن

عَرْشِ اللَّهِ، وَمَدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمُنْتَهَى رِضَا،

عرش خدا و به تعداد مخلوقاتش و نهایت خشنودیش

وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ، وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ، اَللّٰهُمَّ

و به تعدادی که کتابش احصا کرده و دانشش به آن احاطه دارد، خدایا

اِنِّیْ اُجَدِّدُ لَهُ فِیْ هَذَا الْیَوْمِ، وَفِیْ كُلِّ یَوْمٍ

من در این روز و در هر روز

عَهْدًا وَوَعْدًا وَبِیْعَةً لَهُ فِیْ رَقَبَتِیْ، اَللّٰهُمَّ كَمَا

عهد و پیمان و بیعت او را که بر گردن من است تجدید می‌کنم، خدایا همان‌گونه

شَرَّفْتَنِیْ بِهَذَا التَّشْرِیْفِ، وَفَضَّلْتَنِیْ بِهَذِهِ

که مرا به این شرافت مفتخر ساخته و به این فضیلت برتری

الْفَضِیْلَةِ، وَخَصَّصْتَنِیْ بِهَذِهِ النِّعْمَةِ، فَصَلِّ

داده و به این نعمت اختصاص دادی پس

عَلِیْ مَوْلَایْ وَسَیِّدِیْ صَاحِبِ الزَّمَانِ،

بر مولا و سرورم صاحب الزمان درود فرست

وَاجْعَلْنِیْ مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَشِیَاعِهِ وَالذَّابِّیْنَ عَنْهُ،

و مرا از یاران و شیعیان و مدافعانشان قرار ده

وَاجْعَلْنِیْ مِنَ الْمُسْتَشْهِدِیْنَ بَیْنَ یَدَیْهِ، طَائِعًا

و از شهیدان در رکابش در حالی که فرمانبردار

غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَّ أَهْلَهُ فِي

و تسلیم است قرار ده، در گروهی که در کتاب (قرآن) آنها را توصیف

كِتَابِكَ، فَقُلْتَ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ

نموده و فرمودی: گروهی که گویا بنیان آهینند

عَلَى طَاعَتِكَ، وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ

بر اطاعت تو و رسالت و خاندانش - که بر آنان

السَّلَامُ، اَللّٰهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَّهِ فِي عُنُقِي اِلَى

درود باد - خدایا این بیعتی است برای او بر گردنم تا

يَوْمِ الْقِيَامَةِ. ۱

روز قیامت.

۱. مصباح الزائر، صفحه ۴۵۴ و بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۱۰.

دعای حضرت مهدی علیه السلام:

این دعا از دعاهای مشهور و معروف و دارای محتوای عالی است و مرحوم «کفعمی» آن را در «مصباح»^۱ نقل کرده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبَعْدَ الْمَعْصِيَةِ،

خدایا توفیق بندگی و دوری از گناه

وَصِدْقَ النِّيَّةِ، وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ، وَاکْرِمْنَا بِالْهُدَى

و نیت صادق و شناخت حرمتها را روزی ما گردان و ما را به هدایت

وَالْإِسْتِقَامَةَ، وَسَدِّدْ أَسْتِنَابَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ،

و پایداری گرامی دار، و زبانهای ما را به راستگویی و دانش استوار گردان،

وَأَمْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهِّرْ بَطُونَنَا

و دلهای ما را از نور دانش و معرفت پر کن، و درون ما را

مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ، وَاكْفِفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ

از غذای حرام و شبهه‌ناک، پاک گردان، و دستهایمان را از ستم

۱. مصباح کفعمی، صفحه ۲۸۰.

وَالسَّرِقَةَ، وَاغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ

و دزدی بازدار، و چشمهایمان را از گناه

وَالْخِيَانَةَ، وَاسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغِيْبَةِ،

و خیانت بیوشان و گوشهایمان را از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت ببند،

وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَاءَنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ،

و تفضل کن بر علمای ما، پرهیزکاری و خیرخواهی را

وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ، وَعَلَى

و بر دانش‌پژوهان، کوشش و اشتیاق (تحصیل) را، و بر

الْمُسْتَمِعِينَ بِالْإِتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَى مَرْضَى

شنوندگان، پیروی و پند پذیری را و بر بیماران

الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى مَوْتَاهُمْ

از مسلمانان، بهبودی و آسایش را، و بر مردگان آنها،

بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ

مهربانی و رحمت را، و بر سالخوردگان ما، سنگینی

وَالسَّكِينَةَ، وَعَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى

و متانت را و بر جوانان، بازگشت به سوی خدا و توبه را، و بر

النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ، وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضِعِ

زنان، حیا و پاکدامنی را، و بر ثروتمندان، فروتنی

وَالسَّعَةِ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ،

و گشادهدستی را، و بر نیازمندان، شکیبایی و قناعت را،

وَعَلَى الْغَزَاةِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلْبَةِ، وَعَلَى الْأَسْرَاءِ

و بر جنگجویان، یاری و پیروزی را و بر اسیران،

بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ

رهایی و آسایش را و بر فرمانروایان، عدالت

وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ

و مهربانی را، و بر زیر دستان، انصاف و خوشرفتاری

السَّيْرِ، وَبَارِكْ لِحُجَّاجِ وَالزُّوَارِ فِي الزَّادِ

را (تفضل فرما) و توشه و خرج راه حجاج و زیارت‌کنندگان را

وَالنَّفَقَةِ، وَأَقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ

برکت ده، و حج و عمره‌ای که بر آنان واجب فرموده‌ای

وَالْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بپذیر، به لطف و رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.